فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۲۸-۸۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۴

واقع‌گرایی ساختاری و جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و روسیه

سید محمد موسوی[۱]
دانشیارگروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۷ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

با شروع بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر اساس منافع خود جهت‌گیری‌های مختلفی را در رابطه با این کشور، که از اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاصی در منطقه خاورمیانه برخوردار است، اتخاذ نموده‌اند. در این میان نقش بازیگرانی مثل روسیه و جمهوری اسلامی ایران از اهمیت فراوان برخورداراست.هدف از نوشتار حاضر مطالعه جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و روسیه با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی ساختاری است.ازاین‌رو سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و سوریه چه جایگاه و اهمیتی دارد؟یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سوریه در معادلات بین‌المللی روسیه ؛ با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص سوریه، روابط دیرینه و سنتی کرملین-دمشق، وجود پایگاه نظامی طرطوس، جلوگیری از نفوذ بیشتر غرب در منطقه، بی‌اعتمادی روس‌ها به غرب در قبال نحوه برخورد با بحران سوریه، ترس از تکرار سناریوی لیبی در سوریه، تقابل گرایی با آمریکا، ملاحظات اقتصادی، وجود قراردادهای نظامی با سوریه، و جلوگیری از گسترش ناتو،از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با تداوم حمایت خود، چندین هدف حیاتی نظیر جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در خاورمیانه باهدف جلوگیری از توسعه‌ی نفوذ رژیم اسرائیل در منطقه ، حفظ ائتلاف شیعی و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را دنبال می‌کند.درنتیجه صحنه تحولات سوریه، زمینه مساعدی را برای برجستگی عینی نقاط اشتراک ایران و روسیه در قبال تحولات بین‌المللی و منطقه خاورمیانه فراهم ساخته است. هر دو کشور به دلایل مختلف تاریخی، ژئوپلیتیکی و حفظ منافع و امنیت ملی خود با گسترش حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان غرب در مناطق پیرامون خود مخالف هستند و نقش بسزایی در شکل‌گیری سوریه جدید دارند.این مقاله با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی سرانجام یافته است.

واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، روسیه، سوریه، سیاست خارجی، واقع‌گرایی ساختاری

1.s46mosavi@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

مقدمه و بیان مسئله

روابط ایران و سوریه از آن دست مناسباتی در جهان دیپلماسی است که به تداوم و گستردگی معروف شده است. اهمیت استراتژیک این روابط دوجانبه، اغلب کشورهای عمده عرب، اروپای غربی و آمریکا و اسرائیل را به خود مشغول ساخته است. با شروع و ادامه بحران در سوریه، اهمیت روابط ایران و سوریه دیگر برخلاف گذشته صرفاً در سطح دوجانبه و ابعاد امنیتی و ضد اسرائیلی نیست، بلکه می‌توان گفت که این دو کشور، یک محور را تشکیل داده‌اند، محوری که آمریکا، اسرائیل، اروپای غربی و اکثر جهان عرب را متوجه خودساخته است. این روابط شکل‌دهنده یک محور وسیع منطقه‌ای است که عراق و لبنان را در برگرفته و موسوم به محور مقاومت است.

صحنه تحولات سوریه، زمینه مساعدی را برای برجستگی عینی نقاط اشتراک ایران و روسیه در قبال تحولات بین‌المللی و منطقه خاورمیانه فراهم ساخته است. هر دو کشور به دلایل مختلف تاریخی، ژئوپلیتیکی و حفظ منافع و امنیت ملی خود با گسترش حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان غرب در مناطق پیرامون خود مخالف هستند. ازاین‌رو است که تهران و مسکو طی سال‌های اخیر، مواضع انتقادی مشابهی را در قبال اتخاذ رویکردهای یک‌جانبه در مناسبات بین‌الملل از سوی ایالات‌متحده، گسترش ناتو به شرق، طرح استقرار سپر دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان و سپس در ترکیه، وقوع انقلاب‌های رنگی در مناطق پیرامونی روسیه، فعالیت نهادهای فرهنگی و سیاسی غرب‌گرا و گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی غرب به‌ویژه در حوزه انرژی داشته‌اند. از این زاویه، نگرش هر دو کشور به تحولات کنونی سوریه را باید در نگرانی مشترک از گسترش دامنه نفوذ جهان غرب در منطقه استراتژیک خاورمیانه دانست. روس‌ها به‌خوبی بر این نکته واقف‌اند که در صورت سرنگون شدن نظام سیاسی کنونی سوریه کل منطقه زیر سلطه غرب به‌ویژه آمریکا قرار می‌گیرد و این برای روسیه‌ای که در حال احیاء شدن است یک زیان بزرگ تلقی می‌شود. ازاین‌رو،سوریه و آینده آن در سیاست خارجی ایران و روسیه جایگاه محوری دارد.بدین ترتیب مسئله اساسی مقاله نشان دادن جایگاه سوریه در سیاست خارجی ایران و روسیه است. براین اساس، این پژوهش درصدد کاربست نظریه واقع‌گرایی ساختاری برای تحلیل سیاست روسیه و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

مبانی نظری: واقع‌گرایی ساختاری

واقع‌گرایی نوکلاسیک تلفیقی از واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی است. این نظریه در واکنش به ضد تقلیل‌گرایی بیش‌ازاندازه نوواقع‌گرایی ارائه شد. نوکلاسیک مفروضه‌های نوواقع‌گرایی را رد نمی‌کند بلکه درصدد اصلاح آن‌هاست تا رفتار و سیاست خارجی کشورهای منفرد و مشخص را تبیین نماید. به‌گونه‌ای که با تأکید بر تعامل نظام بین‌الملل و پویش‌های کشورها تلاش می‌کند تا راهبردهای کلان کشورهای منفرد در قبال الگوهای تکرارشونده نتایج بین‌المللی را توضیح دهد(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۷). ازاین‌رو، فهم رابطه بین توزیع قدرت نسبی و سیاست خارجی مستلزم بررسی هر دو بافت و بستر داخلی و بین‌المللی است که سیاست خارجی در چارچوب آن تدوین و اجرا می‌شود (Rose, 1998: 144).

واقع‌گرایان نوکلاسیک برآنند که گستره و بلندپروازی سیاست خارجی یک کشور در وهلهٔ نخست ناشی از جایگاه آن در نظام بین‌الملل و به‌ویژه توانمندی‌های آن درزمینهٔ قدرت نظامی است. اما درعین‌حال تأکیددارند که تأثیر این توانمندی‌ها بر سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است، زیرا فشارهای نظام باید از طریق متغیرهای میانجی در سطح واحدها تبیین شوند. نوکلاسیک‌ها برخلاف واقع‌گرایان تنها به عوامل سطح نظام توجه ندارند، بلکه برآیند که برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز حائز اهمیت‌اند. نوکلاسیک‌ها را می‌توان در دو مقولهٔ تهاجمی و تدافعی گنجاند.

الف - واقع‌گرایی تهاجمی: واقع‌گرایان تهاجمی چنین استدلال می‌کنند که آنارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هرگز قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند.

ب- واقع‌گرایی تدافعی: واقع‌گرایان تدافعی نیز به رابطهٔ میان آنارشی و الزامات نظام بین‌الملل از یک‌سو، و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر، توجه دارند، اما رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است. درنتیجه، دولت‌ها که این را درمی‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب تنها در سطح موازنه و بازداشتن تهدیدگر است.

نوواقع‌گرایی به‌طور محوری روی ساختار نظام بین‌الملل، واحدهای متعامل آن و تغییر و تداوم‌های نظام متمرکز می‌شود؛ در این نظریه ساختار نظام و به‌طور خاص توزیع نسبی قدرت کانون محوری تحلیل هستند. بازیگران از اهمیت کمتری برخوردار هستند زیرا ساختارها آن‌ها را وادار می‌کنند به گونه خاصی رفتار کنند.

کنت والتز معتقد است، ساختار که خود محصول تعامل واحدها است بعد از شکل گرفتن، رفتار واحدها(دولت‌ها)را تحت تأثیر قرار داده و آن را تحدید و تعیین می‌نماید. والتز از بین سه مؤلفه: اصل سازمان دهنده(فقدان اقتدار مرکزی یا سلسله مراتبی)، تعیین کارکردهای واحدها واصل بقا(و توزیع توانمندی‌ها)، مؤلفه سوم را عامل اصلی تمایز در نظام بین‌الملل معرفی می‌کند(مشیر زاده، ۱۳۸٤: ۱۱٤).

موضوع دیگری که در ارتباط با واقع‌گرایی ساختاری کنت والتز باید موردتوجه قرارداد، مسئله امنیت است. والتز معتقد است «:هدف نهایی هر دولت، تحصیل امنیت است. چراکه دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌دانند چه میزانی از امنیت در یک سیستم آنارشیک برایشان کفایت می‌کند»(احمدی و زارع، ۱۳۹۰: ۸٤). روسیه، در نظم جدید بین‌الملل مبتنی بر قدرت هژمونی ایالات‌متحده آمریکا، نه‌تنها از آزادی عمل دوران دوقطبی محروم گردیده، بلکه با محدودیت‌هایی تحمیلی از سوی ساختار جدید مواجه شده است. از همین برداشت ساختارگرایانه به‌نظام بین‌الملل و مفهوم نبود اقتدار مرکزی(آنارشی)است که مفهوم موازنه قدرت برای توصیف سازوکار طبیعی(سیمبر، قربانی و مرادی افراپلی، ۱۳۹۲: ۱٦٦)، که دولت‌ها در وضعیت آنارشیک اقدام به موازنه کنند مگر آنکه نگرانی امنیتی آن‌ها در حدی نباشد که موازنه را به‌ضرورت فوریتی تبدیل کند یا توان موازنه وجود نداشته باشد و یا آنکه موازنه بسیار پرهزینه باشد. درهرصورت، قدر مسلم آن است که «ترس از قدرت در یک محیط آنارشیک، هدایت دولت‌ها را در سیستم، به سمت موازنه در برابر یکدیگر به دنبال دارد، زیرا در صورت آنارشی دولت‌ها به‌صورت مداوم نگران امنیتشان در سیستم می‌باشند و این نگرانی باعث تحریک دولت‌ها به سمت ارائه یک رفتار توازن بخش به‌عنوان یک رفتار خودیار خردمندانه می‌شود»(احمدی و زارع، ۱۳۹۰: ۸٤).

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

تلفیق سطوح فردی، ملی و بین‌المللی درواقع گرایی نوکلاسیک

واقع‌گرایی نوکلاسیک به بررسی نقش کانونی و محوری دولت پرداخته و تلاش می‌کند تا توضیح دهد چگونه و تحت چه شرایطی خصوصیات داخلی کشورها بین برآوردهای تصمیم‌گیرندگان آن‌ها از تهدیدها و فرصت‌های بین‌المللی و سیاست خارجی آن‌ها قرارگرفته و به آن شکل می‌دهد. پس هدف اصلاح نظریه نوواقع‌گرایی از طریق افزودن متغیرهای میانجی داخلی بین انگیزه‌ها و محرک‌های سیستمیک و تصمیم‌های سیاست خارجی است. چون، ساختار نظام بین‌الملل به معنای چگونگی توزیع قدرت و سطح تهدیدهای خارجی به‌تنهایی نمی‌تواند سیاست خارجی و رفتار آن را تبیین کند. بلکه ترکیبی از محدودیت‌ها و فرصت‌های بین‌المللی، سطح و میزان تهدیدهای خارجی و فرصت‌ها و محدودیت‌های داخلی رفتار سیاست خارجی را تبیین می‌کند. به‌گونه‌ای که تلقی و تعریف از تثبیت و تغییر توزیع قدرت و تهدیدها و شرایط خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین واکنش کشورها به آن‌ها دارد(Taliaferro, et al., 2009:1-2). واقع‌گرایی نوکلاسیک نیز مانند نوواقع‌گرایی پی گیری قدرت توسط کشورها را ناشی از انگیزه و احساس نیاز آنان برای تأمین امنیت در نظام بین‌الملل آنارشیک و خودیار می‌داند. نوواقع‌گرایی تنها یک متغیر مستقل یعنی قطبیت و یک متغیر وابسته یعنی نتایج بین‌المللی را موردتوجه و تحلیل قرار می‌دهد؛ اما واقع‌گرایی نوکلاسیک، متغیرهای مستقل در دو سطح واحد و سیستمیک را برای تبیین نتایج بین‌المللی و سیاست خارجی کشورهای منفرد به کار می‌گیرد. یک نظریه سیستمیک متصلب محض، همان‌گونه که والتز می‌گوید می‌تواند به ما بگوید که نظام‌های با ساختار متفاوت چه الزامات و امکاناتی را ایجاد می‌کنند، اما نمی‌تواند عیناً به ما بگوید واحدهای یک سیستم چگونه و به چه میزان مؤثری به این فشارها، امکانات و فرصت‌ها واکنش نشان خواهند داد(Waltz, 1979: 73).

به نظر واقع‌گرایان نوکلاسیک، تحلیل سیاست خارجی باید دربرگیرنده عوامل سیستمیک، داخلی و فردی باشد و تأثیر هر یک از این عوامل بر ابعاد مختلف سیاست خارجی را تبیین نماید (Taliaferro, 2000/01:4). به‌عبارت‌دیگر، همان‌گونه که رز می‌گوید: «واقع‌گرایی نوکلاسیک آشکارا هر دودسته از متغیرهای داخلی و خارجی را شامل می‌شود»(Rose, 1998: 14).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

نقش میانجی دولت و جامعه در سیاست خارجی

واقع‌گرایی نوکلاسیک به‌عنوان یک نظریه سیاست خارجی تأثیرگذاری قدرت نسبی دولت در نظام بین‌الملل (به‌عنوان متغیر مستقل) از طریق ساختار دولت و ادراکات، برداشت‌ها و برآوردهای تصمیم‌گیرندگان از قدرت نسبی کشور (به‌عنوان متغیر میانجی) بر سیاست خارجی و رفتار و راهبرد کشورها در نظام بین‌الملل (به‌عنوان متغیر وابسته) را تحلیل می‌کند. ازاین‌رو، یک کمربند انتقالی میان انگیزه‌ها و محرک‌ها و محدودیت‌های سیستمیک و سیاست خارجی کشورها قرار می‌گیرد. به‌طوری‌که متغیرهای سیستمیک، آنارشی بین‌المللی، توزیع قدرت نسبی و عدم اطمینان و قطعیت ناشی از آن، محرک‌ها و الزاماتی را برای کشورها ایجاد می‌کند تا برای تأمین امنیت تلاش نمایند (Taliaferro, et al., 2009: 5). بنابراین، ویژگی‌ها و خصوصیات کشورها و تصمیم‌گیرندگان آن‌ها و دیدگاه کشورها به چگونگی استفاده از قدرت، میانجی محدودیت‌ها و قیدوبندهای ساختاری و رفتار سیاست خارجی قرار می‌گیرد. لذا، در تحلیل سیاست خارجی ویژگی‌ها و خصوصیات داخلی کشورها مانند توانایی سیاست‌گذاران در استخراج منابع برای تعقیب (Elman, 2007: 16) و تأمین اهداف سیاست خارجی باید موردبررسی قرار گیرد.

بنابراین، واقع‌گرایی نوکلاسیک به تبیین نقش میانجی و مداخله‌گر دولت در سیاست خارجی می‌پردازد. به‌گونه‌ای که راه‌ها و سازوکارهای مختلفی را توضیح می‌دهد که از طریق آن دولت به معنای یک دستگاه مرکزی یا نهادهای حکومتی، به ارزیابی تهدیدها و فرصت‌های ناشی از نظام بین‌الملل آنارشیک پرداخته و سیاست خارجی خاص را در قبال آن تدوین و اجرا می‌کند.

تحلیل و بررسی بحران سوریه

تحولات داخلی سوریه در اوایل سال ۲۰۱۱ ، اگرچه دیرتر از تحولات دیگر کشورهای عربی منطقه، شروع شد. اما بی‌شک عامل اصلی شعله‌ور شدن اعتراضات مردمی علیه نظام سیاسی سوریه، شکل‌گیری خیزش‌ها و انقلاب‌های عربی در منطقه است. مخالفان داخلی و خارجی نظام سیاسی سوریه نیز با الهام گرفتن از این انقلاب‌ها دستیابی به خواسته‌های خود را ابتدا از طریق مسالمت‌آمیز به‌صورت مقاومت مدنی و برپایی تظاهرات خیابانی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

دنبال نمودند . اما توسل جستن این مخالفان به بیگانگان و اقدامات خشونت‌آمیز دستگاه امنیتی حزب بعث با معترضین، کم‌کم زمینه‌های ورود قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به دامنه این اعتراضات را فراهم نمود. به‌هرحال، سوریه با برخورداری از مؤلفه‌های خاص سیاسی، جمعیتی و ژئوپلیتیک یکی از کشورهای مهم و نقش‌آفرین خاورمیانه است. قرار گرفتن این کشور در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، بالاترین منظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را به آن بخشیده است. به خاطر این اهمیت فوق‌العاده سوریه در منطقه استراتژیک خاورمیانه است که بسیاری از کارشناسان سیاسی این کشور را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان نامیده‌اند (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۹-۲۵). از دیگر علل روی دادن این تحولات که بدون تردید سخت‌ترین چالش داخلی نظام بشار اسد تاکنون بوده است، می‌توان به نقش مهم منطقه‌ای سوریه و اهمیت بازیگری این کشور در تحولات منطقه ازجمله مباحث مربوط به فلسطین، محور مقاومت، مذاکرات سازش میان اعراب و اسرائیل، مسئله عراق و دیگر مسائل منطقه‌ای اشاره کرد (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). به‌منظور درک بهتر نقش سوریه در منطقه باید به اتحاد استراتژیک این کشور با ایران اشاره و توجهی خاص داشت. چراکه سوریه به‌عنوان ایجادکننده ارتباط با حزب‌الله و کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به شمار می‌رود. (William Samii, 2008: 29)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

ابعاد داخلی بحران

همان‌طور که ذکر شد، در تحلیل ناآرامی‌های سوریه عده‌ای از تحلیلگران این ناآرامی‌ها را تنها امتداد جنبش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌دانند. در این نگاه سوریه همانند سایر کشوهای عربی و آفریقایی، گرفتار مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که مردم آن برای رهایی از این مشکلات، دست به اعتراض و مبارزه علیه رژیم بشار اسد زده‌اند (سراج، ۲:۱۳۹۰). اما این سطح از تحلیل نگاه راهبردی به ناآرامی‌های سوریه ندارد و صرفاً متغیرهای داخلی را در تحلیل وضعیت داخلی این کشور در نظر می‌گیرد. چون جامعه سوریه متفاوت از جوامع تونس و مصر است. بافت جامعه سوریه بیشتر عشیره‌ای است و دچار شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی و ترکیب نامتجانس جمعیتی است . ریشه اصلی بحران جمعیتی این کشور به این واقعیت برمی‌گردد که از اقوام و طایفه‌های مختلف

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

تشکیل‌شده است (آجر لو، ۵۹:۱۳۹۰) مطالبات معترضان داخلی بشار اسد عبارت‌اند از: بهبود وضعیت معیشتی و رفاه اقتصادی، مبارزه با فساد اقتصادی و رشوه‌خواری، انجام پروژه‌های عمرانی و از میان برداشتن فضای امنیتی حاکم بر جامعه. البته، جوانان و طبقه متوسط و اقشار تحصیل‌کرده سوری نیز افزون بر درخواست‌های یادشده، خواهان آزادی فعالیت احزاب، حذف نظام - تک‌حزبی و انتخابات آزاد هستند (بشارتی، ۱۳۹۲: ۳۲). اگرچه سوریه مشکلات متعدد زیرساختی و گاه جدی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد، اما ناآرامی‌های این کشور از جنس و جوهره خیزش‌های مردمی و بیداری اسلامی نیست، بلکه تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و همچنین متأثر از معادلات بین‌المللی است که هدفی جز تضعیف مقاومت اسلامی و مهار ایران را دنبال نمی‌کند. تحولات سوریه با تحولات تونس و مصر و لیبی، تفاوت ماهوی و بنیادی دارد چون قیام‌های مردمی در این کشورها از خصلت فراگیری، بومی و غیر وابسته برخوردار بود. حال‌آنکه بحران سوریه نه خصلت فراگیر دارد و نه بومی است و شاهد این مدعا، دعوت شورای ملی گروه مخالف سوریه از کشورهای خارجی برای مداخله در سوریه طبق الگوی لیبی است(موسوی زاده، ۱۳۹۰: ۵۱). اما بااین‌حال نمی‌توان انکار کرد که بخش‌هایی از مردم سوریه نیز از زمان حافظ اسد با نظام سیاسی این کشور مخالف بوده‌اند و در موضع اپوزسیون قرار گرفتند. به‌هرحال، رهبری جبهه مقاومت، حمایت از جریان مقاومت در فلسطین و لبنان و اتخاذ مواضع مبارزه‌جویانه و سرسختانه علیه سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی، همواره مشروعیت بشار اسد را در میان مردم سوری افزایش داده است و تا حدودی از حمایت ملی‌گرایانه نیز بهره می‌برد (نیاکوئی، بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

ابعاد منطقه‌ای بحران

بعد منطقه‌ای بحران سوریه، که به‌زعم این پژوهش مهم‌ترین بعد آن است به دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای مربوط می‌شود. درواقع، تداوم بحران سوریه ناشی از رقابت بین دو جریان متضاد مقاومت و محافظه‌کاری عربی در منطقه خاورمیانه است. در این میان سوریه در محور مقاومت از جایگاه ژئوپلیتیک و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است، چراکه حلقه اتصال بین ایران و عراق با مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین است. از ویژگی بحران سوریه دخالت‌های، مستقیم و غیرمستقیم عوامل بیرونی است؛ به‌گونه‌ای که با شروع اعتراضات

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

از مارس ۲۰۱۱ بازیگران مهم منطقه‌ای تکلیف خود را در قبال آن می‌دانستند : ازیک‌طرف اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج‌فارس مخصوصاً عربستان و قطر، به همراه ترکیه و اسرائیل، رضایت و حمایت کامل خود را از معترضان داخلی و خارجی بشار اسد، اعلام نمودند و به تلاش‌های خود در جهت نفوذ بیشتر و مدیریت اعتراضات افزودند . از طرف دیگر ایران، حزب‌الله و دولت لبنان و عراق به حمایت از دولت بشار اسد و ثبات حکومت وی می‌پردازند(نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰٤). در نگاه اغلب تحلیلگران خاورمیانه، یکی از اهداف اصلی عربستان در بحران سوریه، تضعیف جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه است، که با همراهی ترکیه و قطر در مقام حامیان مخالفان نظام سیاسی سوریه، اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای دخیل در بحران می‌باشند که علیه دولت سوریه متحد استراتژیک ایران وارد عمل شده‌اند. به‌صورت مستقیم با ارسال نیروهایی یا تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی و گماشتن مزدوران، ارسال سلاح و کمک‌های مالی و پرداخت حقوق به معترضان و به‌صورت غیرمستقیم با حمایت‌های رسانه‌ای، تبلیغاتی و فشار سیاسی در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای علیه دولت سوریه، در امور داخلی این کشور نقش‌آفرینی می‌کنند(آجر لو، ۱۳۹۰: ٦۱). ازآنجایی‌که عربستان، سوریه را به خاطر حمایت از جریان مقاومت و حزب‌الله، باعث کاهش نفوذش در لبنان می‌داند، بنابراین این تحولات فرصت مناسبی را در اختیار عربستان قرارداد تا بتواند از سوریه و در مرحله بعد ایران انتقام بگیرد.

ازاین‌روی عربستان با تلاش برای تغییر رژیم در سوریه، تغییر استراتژی خود در قبال منطقه و رقابتش با ایران،شروع‌کننده جنگ نیابتی تمام‌عیار در تحولات این کشور شد . واقعیت آن است که در بحران سوریه که غربی‌ها و دول محافظه‌کار عربی (Harriet, 2012: 8) آن را جنگ بین آزادی و دیکتاتوری معرفی می‌کنند، ما با یک جنبش مردمی یا اسلامی مستقل علیه حکومت بشار اسد روبرو نیستیم، بلکه ریشه‌های بحران منبعث است از اوج‌گیری منازعه موازنه قدرت در منطقه بین محور مقاومت و محور محافظه‌کار طرفدار بلوک غرب، که تحت تأثیر شکل‌گیری بهار عربی و جنبش بیداری اسلامی شاهد آن هستیم (صفوی، ۱۰۲:۱۳۹۱).

ابعاد بین‌المللی بحران

یکی از عوامل اصلی گستردگی و تداوم بحران سوریه، جایگاه ویژه ژئوپلیتیک آن است .

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

این امر باعث افزایش جایگاه منطقه‌ای و نقش بازیگری سوریه در تحولات منطقه ازجمله مباحث مربوط به فلسطین، مقاومت، مذاکرات سازش با اسرائیل، مسئله عراق و دیگر مسائل منطقه‌ای شده است. بر همین اساس سوریه تاکنون عامل ثبات در منطقه محسوب می‌شده و برای ایفای این نقش ثبات‌آفرین در تحولات منطقه همواره در توجه طرف‌های منطقه‌ای بین‌المللی بوده است (متقی، ۱۲:۱۳۹۰). و درواقع، ژئوپلیتیک سوریه به این کشور جایگاهی استراتژیک بخشیده است و آن را در نزد قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بااهمیت نموده است . سوریه ازجمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شده است (نیاکوئی، بهمنش، ۱۰۳:۱۳۹۱). همچنین از طرفی دیگر ایالات‌متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین نیز دنبال منافع استراتژیکی و اقتصادی خود در منطقه هستند . از یک‌سو بحران سوریه را همچون تهدیدی برای منافع استراتژیک خود می‌نگرند و از سوی دیگر به‌عنوان فرصتی برای محکم کردن مواضع و گسترش نفوذ خود در منطقه، به تحولات سوریه چشم دوخته‌اند. در خصوص تبیین مسئله سوریه ازلحاظ سطح بین‌المللی، نقش و اهداف دو قدرت بزرگ فرا منطقه‌ای حائز اهمیت است. ایالات‌متحده در بحران سوریه دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ اول حفظ امنیت اسرائیل و دوم نفوذ در محور مقاومت در جهت مهار جمهوری اسلامی ایران(نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). بر این مبنا، از دیدگاه غرب و به‌ویژه آمریکا، چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به‌سوی جریان محافظه‌کار تغییر یابد، به‌نوعی شاید امنیت اسرائیل پس از انقلاب‌های عربی و به‌ویژه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر تا حدی‌ترمیم خواهد شد. تحولات داخلی سوریه برای روس‌ها نیز به همان میزان بلکه بیشتر از آن حائز اهمیت است . سوریه در دنیای پسا جنگ سرد همواره جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه داشته است. ازاین‌رو تحولات سوریه نه به‌مثابه بحرانی که دامن‌گیر یکی از دوستان دیرین روسیه شده است، بلکه افزون بر آن بحرانی در آخرین حلقه از متحدان استراتژیکی روسیه در منطقه است. از مهم‌ترین دلایل اهمیت سوریه در معادلات بین‌المللی روسیه می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص سوریه، روابط دیرینه و سنتی کرملین – دمشق، وجود پایگاه نظامی طرطوس، جلوگیری از نفوذ بیشتر غرب در منطقه، بی‌اعتمادی روس‌ها به غرب در قبال نحوه برخورد با بحران سوریه، ترس

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

از تکرار سناریوی لیبی در سوریه، تقابل گرایی با آمریکا، ملاحظات اقتصادی، جلوگیری از گسترش ناتو، وجود قراردادهای نظامی با سوریه و غیره. بنابراین سقوط نظام سیاسی سوریه برای رهبران کرملین به مفهوم از دست دادن آخرین حلقه از متحدان پر و پا قرص روسیه در خاورمیانه است و این به معنای ورود ناتو به حیات خلوت منافع روس‌ها و تضعیف موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه و درنهایت ناکامی در تحقق مبانی سند دکترین امنیت ملی روسیه است. بنابراین مسئله مهم برای روسیه در قبال بحران سوریه نه شخص بشار اسد بلکه نظام سیاسی سوریه است . آنان درصددند که نظام سیاسی سوریه را همچنان به‌منزله نظامی که به ایفای نقش منطقه‌ای خود در راستای منافع روسیه مبادرت ورزیده است، حفظ نمایند و از هرگونه خطری که متوجه منافع روسیه نیز می‌گردد، مصون نگهدارند.درواقع می‌توان گفت که روسیه در تلاش است تا بحران سوریه را بحرانی داخلی نشان دهد تا از این طریق مانع دخالت سایر کشورها به‌خصوص غرب و آمریکا در حوزه نفوذ سنتی خود شود(آدمی و آخرالدین، ۱۳۹۲: ٥٦).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

بازیگران نقش‌آفرین در بحران سوریه

قبل از واکاوی و تبیین نقش‌آفرینی ایران و فدراسیون روسیه در بحران سوریه، ضرورت دارد به نقش سایر بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تأثیرگذار در این بحران اشاره‌کنیم؛ زیرا بخش عمده‌ای از مشکلات موجود در سوریه و حل نشدن بحران به منافع و جهت‌گیری‌های متفاوت و گاه متعارض این بازیگران مهم برمی‌گردد. در این راستا، بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نقش‌آفرین در بحران سوریه را می‌توان در قالب دو محور غربی عربی ترکی و روسی چینی ایرانی از یکدیگر تفکیک و تقسیم‌بندی کرد. اصلی‌ترین بازیگران محور اول اتحادیه اروپا، آمریکا، ترکیه و کشورهای عربی نظیر عربستان سعودی و کویت هستند. کشورهای اصلی و تعیین‌کننده در محور دوم نیز جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه و چین هستند.

محور غربی، عربی و ترکی به رهبری ایالات‌متحده آمریکا

مسلماً یکی از نقش‌آفرینان اصلی و تعیین‌کننده در بحران سوریه و دامنه‌دار شدن آن ،

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

کشورهای مخالف رژیم بشار اسد و حامی معارضان هستند که در اصطلاح محور غربی عربی ترکی خوانده می‌شوند. این محور بازیگران مختلفی مانند اتحادیه اروپا، آمریکا، ترکیه، عربستان سعودی، قطر و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را شامل می‌شود. تمام این بازیگران به رهبری آمریکا باهدف مشترک سرنگونی رژیم اسد به تأثیرگذاری بر بحران سوریه پرداخته‌اند .درواقع، کشورهای عضو این محور خواهان تغییر وضعیت و سقوط نظام سیاسی کنونی سوریه هستند.

در این میان کشورهای آمریکا، ترکیه و عربستان نقش‌آفرینان اصلی در محور خواهان تغییر رژیم بشار اسد در قبال بحران سوریه به شمار می‌روند. البته بدون تردید نقشِ رهبری و سیاست‌گذاری اصلی در این محور بر عهده ایالات‌متحده آمریکاست. می‌توان گفت بازیگران مختلف محور غربی عربی ترکی به ویژه سه کشور مذکور به عنوان یکی از اصلی ترین و مهم ترین نقش آفرینان در بحران سوریه از آغاز تاکنون بوده و همواره کوشیده اند با همسانی منافع استراتژیک خود ضمن تقویت توان سیاسی و عملیاتی مخالفان به تضعیف رژیم اسد و در نهایت سقوط آن بپردازند)نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

محور روسی، چینی و ایرانی به رهبری فدراسیون روسیه

یکی از بازیگران تعیین کننده و بسیار مهم در بحران سوریه، کشورهای خواهان حل سیاسی بحران و مخالف دخالت خارجی و تقویت و تجهیز مخالفان هستند که در اصطلاح با عنوان محور روسی چینی ایرانی خوانده می شوند. کشورهای روسیه، چین، ایران، عراق و جنبش های مقاومت اسلامی نظیر حزب الله را می توان در قالب این محور بررسی کرد. نقش آفرینان محور روسی چینی ایرانی تلاش کرده اند از بسط نفوذ محور رقیب در منطقه جلوگیری کنند و حمایت های سیاسی و نظامی ممکن را از رژیم بشار اسد به عمل آورند. درواقع، بازیگران اصلی محور خواهان وضع موجود در سوریه، کشورهای روسیه، ایران و چین هستند. در زیر به‌اختصار به تبیین منافع، چالش‌ها و جهت‌گیری‌های ایران و روسیه در قبال بحران سوریه خواهیم .

منافع، چالش‌ها و جهت‌گیری‌ها

نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه قابل‌توجه فراوان است. ایران از آغاز بحران

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

در سوریه تلاش کرده است این بحران را در قالب ترتیبات منطقه‌ای ارزیابی و تفسیر و از دخالت غیرمسئولانه بازیگران خارجی جلوگیری کند(Goodarzi, 2014: 41). در این راستا، ضرورت دارد منافع، چالش‌ها و جهت‌گیری‌های ایران به‌عنوان بازیگر تعیین‌کننده در محور موافقان وضع موجود سوریه، موردبررسی قرار گیرد.

منافع: صاحب‌نظران بسیاری معتقدند که درگیری‌های سوریه بیش از هر چیز تاوانی است که دمشق به‌واسطه حضور در محور مقاومت منطقه به رهبری ایران پرداخت می‌کند. بر این اساس، سوریه به‌عنوان عمق استراتژیک ایران و حلقه اتصال آن به گروه‌های مبارزی نظیر حزب‌الله و حماس از اهمیت خاصی برای جمهوری اسلامی برخوردار بوده است)نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ٤٧). بنابراین، اصلی‌ترین منافع ایران در سوریه در قالب حفظ و تقویت محور مقاومت و مقابله با توسعه نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نظیر عربستان، ترکیه و آمریکا قابل ارزیابی است. بر این موارد باید تلاش ایران برای مبارزه با افراط‌گرایی و گروه‌های تکفیری را افزود؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران از بسط ناآرامی‌های سوریه به‌کل منطقه نگران است. درواقع، جمهوری اسلامی به علت پیشینه روابط دوستانه با سوریه و نقشی که این کشور در تحکیم نفوذ ایران در منطقه دارد، تلاش کرده است منافع مبتنی بر نفی تسلط بازیگران خارجی به‌ویژه آمریکا در منطقه و تقویت محور مقاومت را با جدیت تمام پیگیری کند. (Rogers, 2012: 4) در این مسیر، همراهی قابل‌توجهی میان فدراسیون روسیه و ایران در بحران سوریه وجود داشته است؛ به‌گونه‌ای که تهران بخش مهمی از حمایت‌های بین‌المللی از سوریه را از کانال مسکو پیگیری کرده است.

چالش‌ها: بازیگران محور روسی و چینی و ایرانی به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف خود در بحران سوریه با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند؛ به‌گونه‌ای که محور حامیِ مخالفان سوریه مدعی است که ایران در حمایت همه‌جانبه از بشار اسد برخلاف قانون اساسی و رویه‌های جاری خود مبنی بر حمایت از آزادیخواهی ملت‌ها و دفاع از مستضعفین عالم رفتار کرده است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران در تحولات مربوط به بهار عربی و بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین به انتقاد از هیئت حاکمه و دفاع از مردم انقلابی پرداخته، درحالی‌که در بحران سوریه تمام‌قد به حمایت از رژیم حاکم و مخالفت با خواسته مردم تن داده است(Stepanova, 2012: 5). از طرفی یکی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

از چالش‌های بسیار مهم ایران در حمایت از رژیم اسد در بحران سوریه، تشدید تقابل فرقه‌ای و مذهبی با بازیگران منطقه‌ای مهم مثل ترکیه و عربستان و همچنین تشدید رویارویی ایران با غرب به‌ویژه آمریکاست.

درواقع، حمایت‌های سیاسی و بعضاً نظامی ایران از نظام بشار اسد موجب خواهد شد دامنه تعارضات و رویارویی‌های ایران با محور غربی عربی ترکی در منطقه افزایش یابد و موجب از دست رفتن فرصت‌های مشترک منطقه‌ای شود)جعفری ولدانی و نجات، ۱۳۹۲: ٤٦).

جهت‌گیری‌ها: رویکرد اصلی بازیگران محور روسی چینی ایرانی به‌ویژه کشورهای ایران و چین مبتنی بر عدم دخالت خارجی و حل‌وفصل سیاسی بحران بوده است؛ به‌گونه‌ای که از آغاز بحران تاکنون ایران ضمن دعوت طرفین به خویشتن‌داری، خواهان گفتگو و حل سیاسی مشکلات شده است. در این راستا، تهران همواره کوشیده است تا بشار اسد را به اصلاحات سیاسی بیشتر ترغیب کند و حتی زمینه گفتگو با مخالفان و حکومت را فراهم سازد)ابراهیمی،۱۳۹۲: ٦۰).

درواقع، ایران جهت‌گیری‌های کاملاً مثبتی را با حسن نیت تمام برای حل‌وفصل سیاسی و غیر خشونت‌بار بحران سوریه پیش‌گرفته است. چین هم به‌عنوان بازیگری مهم در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای محور حامی وضع موجود سوریه تلاش کرده است جهت‌گیری‌های خود را مبتنی بر احترام به حاکمیت ملی سوریه و مخالفت با دخالت نظامی در این کشور ابراز کند. همراهی چین با روسیه در وتوی قطعنامه‌های ضد سوری و محکوم کردن علنی هرگونه دخالت نظامی خارجی در بحران سوریه مؤید جدیت پکن در جهت‌گیری‌های خود مبنی بر حل‌وفصل سیاسی بحران سوریه است(Swaine, 2012: 3).

درمجموع، با توجه به مطالب یادشده می‌توان تأکید کرد که علاوه بر نقش مهم فدراسیون روسیه در بحران سوریه ، نقش سایر بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دخیل در این بحران نیز بسیار مهم است.

اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران

سوریه کشوری در حدفاصل خاور نزدیک و خاورمیانه و نقطه‌ی اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است و ژئوپلیتیک سوریه به‌گونه‌ای طراحی‌شده که جایگاهی خاص و راهبردی برای

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

این کشور رقم‌زده است. در بعد ژئوپلیتیکی، سرزمین سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از چند جنبه دارای اهمیت است.

۱.بخش بااهمیتی از منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا است.

۲.همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان و ترکیه و عراق به‌عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه

۳. کشوری تأثیرگذار در معادلات سیاسی لبنان است(آجورلو، ۱۳۹۰: ٥٦)

٤. هم پیوند با درگیری‌های اعراب و اسرائیل.

۵. ساخت سیاسی متفاوت و متمایز نسبت به سایر کشورهای عرب منطقه، چراکه تنها کشور عربی است که مناسبات مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی دارد . این موقعیت راهبردی، چالش‌هایی همچون بی‌ثباتی و ناامنی را برای این کشور رقم‌زده است (Sutherlin, 2013:2). ایران در سوریه منافعی دارد که تمامی این منافع با روسیه یکسان نیست. مهم‌ترین ابعاد اهمیت استراتژیک سوریه برای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در قالب چهاراصل موردبررسی و تحلیل قرارداد:

۱. سوریه: محور مقاومت در برابر نفوذ افسارگسیخته غرب در خاورمیانه

اهمیت سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت است از: ۱. مرکزیت سوریه به لحاظ راهبردی در خاورمیانه؛ ۲. پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب و اسرائیل؛ ۳. احساس خطر از ناحیه اسلام سیاسی و بنیادگرا در کشورهای منطقه و روند روزافزون آن.

سوریه برای غرب به‌عنوان یک وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی بلندمدت خواهد بود. بااین‌حال آنچه اهمیت اساسی دارد این است که ایران در قالب توافقی پایدار با سوریه و روسیه در راستای جلوگیری از اهداف غرب در منطقه و به‌ویژه سوریه است. بنابراین اصلی‌ترین منافع ایران در سوریه در قالب حفظ و تقویت محور مقاومت و مقابله با توسعه نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نظیر عربستان، ترکیه و آمریکا قابل ارزیابی است.

بر این موارد باید تلاش ایران برای مبارزه با افراط‌گرایی و گروه‌های تکفیری را افزود؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران از بسط ناآرامی‌های سوریه به‌کل منطقه نگران است. درواقع، جمهوری اسلامی به علت پیشینه روابط دوستانه با سوریه و نقشی که این کشور در تحکیم نفوذ ایران در منطقه دارد، تلاش کرده است منافع مبتنی بر نفی تسلط بازیگران خارجی به‌ویژه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

آمریکا در منطقه و تقویت محور مقاومت را با جدیت تمام پیگیری کند(Rogers, 2012: 4). در این مسیر، همراهی قابل‌توجهی میان فدراسیون روسیه و ایران در بحران سوریه وجود داشته است؛ به‌گونه‌ای که تهران بخش مهمی از حمایت‌های بین‌المللی از سوریه را از کانال مسکو پیگیری کرده است.

۲. حفظ حلقه ارتباطی با حزب‌الله و خط تقابل با اسرائیل

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست ضدیت با اسرائیل یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی کشور ایران قرار گرفت و نزدیکی تهران به دمشق به بالاترین سطح خود رسید. علاوه بر مسئله ضدیت با اسرائیل، عامل اساسی دیگری که باعث شده است ایران روابط خود با سوریه را مستحکم کند موضع و سیاست‌های سوریه در برابر حزب‌الله لبنان است. در راستای اصل ضدیت با موجودیت اسرائیل، حزب‌الله موردحمایت دولت سوریه قرارگرفته است.

درمجموع می‌توان عنوان نمود که اساساً عامل اصلی نزدیکی روابط ایران و سوریه را می‌توان اتخاذ سیاست خارجی یکسان در برابر اسرائیل و همچنین حمایت از حزب‌الله لبنان است. این نزدیکی روابط در راستای تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران و همچنین سوریه در برابر اسرائیل هست که در این راهبردهای ضد صهیونیستی، حزب‌الله لبنان نقش کلیدی را در سیاست خارجه ایران و سوریه بازی می‌کند و با حمایت ایران و سوریه توانسته است ضربه‌های کاری را چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ نظامی بر اسرائیل وارد آورد. رابطه بین ایران و سوریه اساساً برای هردو طرف به لحاظ امنیتی حائز اهمیت هست و حفظ حلال شیعی در منطقه برای ایران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

۳. سوریه: نقطه اتصال ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی - اسلامی

ملت، ملی‌گرایی و دولت ملی پدیده‌های نوظهوری در تاریخ جوامع اسلامی هستند. در پی سلطه‌ی همه‌جانبه اروپاییان برجهان، اروپایی کردن نظام جهانی در دستور کار قرار گرفت و کشورهای عربی خاورمیانه قسمتی از این جهان مدرن شدند. دراین‌ارتباط مهم‌ترین مسئله برای ایران، ناهم‌خوانی هویت ملی ایرانیان با موج ناسیونالیسم عربی حاکم بر منطقه خاورمیانه بوده است.

اما علویان سوریه که عمدتاً جزو اقشار استثمارشده و مظلوم جامعه بوده‌اند، هرگز

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

نتوانستند بر مبنای ناسیونالیسم عربی یا جریان‌های فراگیر دیگر با برادران سنی خود پیوند برقرار سازند و همواره همبستگی دینی آن‌ها بر سایر احساساتشان غلبه داشته است. این امر نقطه عطفی را نیز در رابطه ایران و سوریه ایجاد کرد. ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی موجود باعث ناممکن شدن روابط دوجانبه بین اعراب و ایران شده بود، اما در سوریه بعد از آغاز حکومت حافظ اسد کشوری که تا مدت‌های مدیدی تحت سلطه پان عربی بود هم‌اکنون تنها در قالب سکولاریسم حکومت می‌کرد و سیاست‌های پان عربیستی حزب بعث را کنار گذاشت که این امر وضعیت راهبردی بسیار مناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد که بتواند با افزایش نفوذ خود در کشور سوریه بتواند خط اتصالی بین ناسیونالیسم عربی رقیق‌شده در سوریه و هویت ایرانی اسلامی ترسیم کند. این امر موجب شد که تاریخی از روابط بین دو کشور ایجاد شود که همراه با موافقت‌نامه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی متعددی شود که با مخالفت‌های گسترده اعراب روبه‌رو شد و این وضعیت باعث می‌شود که کشور سوریه تبدیل به یک مسئله‌ی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران شود؛ چراکه با وضعیتی که در حال حاضر در منطقه وجود دارد و اتحاد کشورهای عربی با غرب باعث نفوذ سرمایه‌داری غرب در خاورمیانه شده است، کشور سوریه با حمایت ایران همچنان می‌تواند نقش سدی محکم را در برابر لیبرال دموکراسی غرب بازی کند که این‌یکی از مسائل اساسی سیاست خارجی ایران و همچنین یکی از ارکان ساختار امنیتی ایران در منطقه خاورمیانه هست.

٤. استراتژی دفاع – تهاجم ایدئولوژیک

استراتژی دفاع – تهاجم ایدئولوژیک، استراتژی‌ای است که وضعیت پایداری ایران در مداخله سوریه را در معرض نمایش می‌گذارد و اساساً این نکته را متوجه نظام بین‌المللی می‌کند که ایران حضوری دائمی در سوریه دارد، چراکه بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران معتقد بودند که حمایت ایران از دولت بشار اسد به‌صورت تدریجی کاهش خواهد یافت و ایران موضع خود را حداقل برای داشتن جایگاهی در حکومت جدید سوریه تغییر خواهد داد، اما اتفاقی که افتاد این بود که ایران نه‌تنها حمایت خود را از سوریه کاهش نداده است؛ بلکه با حمایت همه‌جانبه خود همه را شگفت‌زده کرد به‌طوری‌که حتی درصدد تغییر معادلات به نفع خود و دولت کنونی سوریه به رهبری بشار اسد است. استراتژی دفاع – تهاجم درواقع

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

استراتژی که هم‌زمان حالت دفاعی و تهاجمی خود را در سوریه به کار می‌بندد، تا بتواند با حفظ حکومت سوریه، امنیت خود را نیز بیمه نماید. به این صورت ایران از اتخاذ دفاع همه‌جانبه و منفعل در برابر هجوم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری غرب خودداری می‌کند، در عوض هم‌زمان با اتخاذ حالت دفاعی و تبدیل کردن سوریه به یک سد دفاعی محکم، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک سوریه، سیاست‌های تهاجمی خود را نیز به‌صورت غیرمستقیم به کار ببندد تا بتواند از هزینه سنگین دفاعی خود بکاهد.

با آغاز موج اعتراض در کشورهای عربی منطقه و به‌خصوص شکل‌گیری بحران در سوریه، بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای هریک نسبت به بحران اخیر سوریه تصمیم‌گیری نموده و در راستای منافع خود، مواضع خاصی را اتخاذ نمودند . دراین‌بین جمهوری اسلامی ایران سیاست حفظ منافع استراتژیک در پرتو روابط با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای و گروه‌های اسلامی نظیر حزب‌الله و حماس که در معادلات سیاسی – امنیتی منطقه نقش ویژه‌ای ایفا می‌نمایند را در رویکرد سیاست خارجی دنبال نمود و ازآنجاکه سوریه ازجمله کشورهایی است که نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد، به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران با دقت و حساسیت ویژه‌ای تحولات سوریه را دنبال نموده و به‌عنوان یک بازیگر و قدرت مهم منطقه‌ای، تلاش نموده که در راستای تداوم مناسبات راهبردی با این کشور ونیز حفظ منافع ملی و منطقه‌ای خود، اقدام به اتخاذ مواضع حمایتی از حکومت بشار اسد در سوریه نماید. در رابطه با تمایل جمهوری اسلامی ایران به حفظ تمامیت ارضی و نظام سیاسی سوریه محاسبات پیچیده و دشواری وجود دارد؛ چراکه با توجه به دلایل یادشده سوریه همواره برای ایران حائز اهمیت راهبردی بوده است و به همین دلیل است که ایران و سوریه در دهه‌های اخیر یک اتحاد استراتژیک را پایه‌گذاری نموده‌اند که در راستای موضع‌گیری نسبت برخی مسائل در خاورمیانه نظیر خصومت میان عرب– فارس، شیعه– سنی، پیروزی و غلبه بعضی گروه‌های تروریستی و بنیادگرا در منطقه‌ی خاورمیانه، این اتحاد همواره حفظ‌شده است. از این منظر جمهوری اسلامی ایران اهتمام ویژه‌ای نسبت به بحران سوریه و حفظ نظام سیاسی سوریه دارد. دلایل توجه خاص جمهوری اسلامی ایران به بحران در این کشور و اهمیت آن را در موارد زیر می‌توان جستجو نمود: ۱. ممکن است اقلیت علوی یا بقایای حزب بعث قدرت را در این کشور به دست‌گیرند، ۲. این احتمال وجود دارد

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

که تداوم جنگ داخلی در سوریه منجر به تشدید نزاع میان گروه‌های مذهبی و قومی- نژادی شود، ۳. احتمال این‌که اکثریت سنی مذهب بتوانند در بحبوحه بحران از فرصت استفاده نموده و خود را برای رسیدن به قدرت تقویت و تجهیز کنند(Zaborowski, 2011: 595)).

با توجه به مؤلفه‌های مذکور، جمهوری اسلامی ایران در واکنش به بحران سوریه همواره سعی نموده تا ضمن حمایت از خواسته‌های مردم این کشور، تأکید بر انجام اصلاحات و لزوم حفظ حاکمیت ملّی در سوریه ، حمایت همه‌جانبه خود را نسبت به این کشور اعلام کند(نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ٤١). به همین جهت تلاش‌های جامعی را جهت مشاوره و کمک مستشاری به ارتش سوریه انجام داده تا حکومت سوریه همچنان بر سر قدرت محفوظ ماند(Ftlon, 2013: 10). چراکه اگر جمهوری اسلامی ایران دست از حمایت حکومت بشار اسد در سوریه بردارد، هیچ تضمینی وجود ندارد که حکومت جدیدی که در دمشق قدرت را به دست گیرد، روابط خود را با ایران همچنان ادامه دهد. پس جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا در این مرحله دست‌کم حکومت دمشق را از بحران خارج نماید(Goodarzi, 2013: 50).

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با تداوم حمایت خود، چندین هدف حیاتی دیگر نظیر جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در خاورمیانه باهدف جلوگیری از توسعه‌ی نفوذ رژیم اسرائیل در منطقه ، حفظ ائتلاف شیعی و حفظ تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را نیز دنبال می‌کند . از این منظر با فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، بعید به نظر می‌رسد که حکومت جایگزین در این کشور با جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی مشترک، همراهی و سازگاری نشان دهد(Bartell and Gray, 2012: 142). از منظری دیگر می‌توان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاک‌ریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد می‌کند و به همین دلیل اعتراضات و ناآرامی‌های درونی سوریه را نوعی انتقام‌گیری از موقعیت برجسته سوریه در مقاومت علیه نظام سلطه و متحدان منطقه‌ای‌اش می‌داند. از طرف دیگر سوریه به عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی کشورهای رقیب منطقه‌ای یعنی عربستان و ترکیه با جمهوری اسلامی ایران تبدیل‌شده است. به عبارت بهتر سوریه به کانون تضاد منافع نیابتی کشورهای غربی و هم‌پیمانان آن‌ها در منطقه خاورمیانه با جمهوری اسلامی ایران تبدیل‌شده است (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ٤٢).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

جمهوری اسلامی ایران در طی بحران سوریه هیچ‌گاه از راه‌حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از کشورهای منطقه‌ای و غربی، جهت حل‌وفصل بحران این کشور حمایت ننموده است؛ بلکه برعکس، مسئولان و تصمیم‌گیرندگان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک‌راه وجود دارد و آن نیز راه‌حل سیاسی است. تأکید جمهوری اسلامی ایران بر حل بحران داخلی سوریه، توسط مردم سوریه هست و هر نتیجه‌ای نیز که در این راستا حاصل شود، بنا بر صلاحدید مردم این کشور رقم خورده است. با توجه به این مهم، دیدگاه حمایتگرایانه جمهوری اسلامی ایران نسبت به حل بحران سوریه در سه مؤلفه مهم خلاصه می‌شود: ۱. توقف خشونت و کشتار مردم در سوریه، ۲. عدم‌مداخله‌ی سیاسی و نظامی بیگانگان، ۳. حفظ دولت بشار اسد در کنار تأکید بر ضرورت اصلاحات داخلی. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه به‌عنوان یک متحد راهبردی در منطقه‌ی خاورمیانه می‌نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروه‌های اسلامی از قبیل حماس و حزب‌الله را همواره به‌عنوان یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است. همچنین جمهوری اسلامی ایران سوریه را به‌عنوان یک سپرد دفاعی امنیتی در منطقه برای خود قلمداد می‌نماید که در صورت فروپاشی حکومت بشار اسد در سوریه، ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد. به همین جهت جمهوری اسلامی ایران به حکومت بشار اسد در سوریه، کمک مالی، نظامی و امنیتی اعطاء می‌نماید(نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳٤). در صورت پیروزی بشار اسد در سوریه، جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها به یک قدرت منطقه‌ای بلکه به قطب بزرگ و مرکز شیعیان جهان نیز تبدیل خواهد شد. بنابراین رویکرد و سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه، مخالفت با هر نوع تغییر اساسی به نفع آمریکا و متحدین منطقه‌ای این کشور در سوریه است(نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

دو کشور ایران و سوریه امروزه یکی از قوی‌ترین و عمده‌ترین اتحادها را درکل خاورمیانه تشکیل داده‌اند . سوریه به‌عنوان کشوری رانده‌شده در جهان عرب، نیازمند یک حامی مالی و متحدی استراتژیک است که در منطقه به لحاظ سیاسی از خودش قدرتمندتر باشد که ایران می‌تواند چنین نقشی را ایفا نماید. درواقع می‌توان استدلال نمود که ائتلاف بین ایران و سوریه از ترکیبی از ملاحظات استراتژیک، تهدیدات امنیتی مشترک، اتحاد ایدئولوژیک و

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

نیاز دو طرف به شرکای سیاسی مطمئن نشات می‌گیرد. البته عامل مهم و عمده تهدیدهای امنیتی مشترک حول دو تهدید امنیتی عمده یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان در مقام متحدان استراتژیک آمریکا بوده است که با محور استراتژیک ایران و سوریه مجاورت داشته‌اند .این دو تهدید امنیتی از قابلیت‌های تهاجمی بالایی برخوردار هستند که نیات تهاجمی آن‌ها در سیاست‌های اعلامی و اعلانی این دو کشور مشهود بوده است. بنابراین هرگونه اقدامی جهت براندازی یا تضعیف این متحد استراتژیک ایران، بازتابی بر امنیت و جایگاه منطقه‌ای ایران نیز خواهد داشت که در ادامه مهم‌ترین این چالش‌ها را بررسی می‌کنیم:

الف) تضعیف محور مقاومت: یکی از مهم‌ترین پیامدهای بحران سوریه تضعیف محور مقاومت خواهد بود . به عقیده باری بوزان اتخاذ موضعی محکم و اصولی از سوی برخی کشورهای خاورمیانه در حمایت از فلسطینی‌ها در برابر اسرائیل، جزء جدایی‌ناپذیر از مشروعیت حکومت‌ها در مقابل ملت‌هایشان به‌حساب آمده است. بنابراین بدون این پیوستگی‌های مشترک فرهنگی، ایدئولوژیکی، صرفاً دغدغه‌های امنیتی مشابه در این مجموعه کشورهای منطقه، نمی‌تواند الگویی جدا از وابستگی متقابل امنیتی را شکل دهد . با توجه به اینکه در مجموعه امنیتی منطقه‌ای، قاعده بازی تابع اصل حاصل جمع صفر است، یعنی سودمحور مقاومت به زیان محور سازش است و بالعکس. چراکه ایران و سوریه همواره راهبردی جامع را در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی با یکدیگر و در چارچوب محور مقاومت دنبال نموده‌اند.مهم‌ترین مسئله‌ای که دو طرف همواره به آن توجه داشته‌اند موضوع وابستگی متقابل امنیتی بوده است(Sun, 2010: 67).

بنابراین می‌توان چنین بیان داشت که جمهوری اسلامی در مقام قدرتی بزرگ منطقه‌ای در این بازی، بیم آن دارد که با تغییر رژیم سیاسی سوریه، حکومت جایگزین محور مقاومت اسلامی را از هم بگسلد. از منظری دیگر می‌توان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاک‌ریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد می‌کند و به همین دلیل ایران در طی بحران سوریه هیچ‌گاه از راه‌حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از منطقه‌ای و غربی، جهت حل‌وفصل بحران این کشور حمایت ننموده است؛ بلکه برعکس مسئولان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک‌راه وجود دارد و آن نیز راه‌حل سیاسی است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه همچون متحدی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

راهبردی در منطقه خاورمیانه می‌نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروه‌های اسلامی محور مقاومت از قبیل حماس و حزب‌الله را همواره به‌منزله یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است. همچنین ایران کشور سوریه را به‌مثابه سپری از دفاع امنیتی در منطقه برای خود قلمداد می‌نماید که در صورت فروپاشی ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد (صادقی و لطفی، ۱۳۹٤: ۱٤۰).

ب) برهم زدن ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه : آنچه بر مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و سوریه یک هویت جمعی باثبات و پایدار بخشیده است، همسویی مواضع و استراتژی‌های سیاست خارجی، اشتراکات منافع، اشتراکات فرهنگی و قومی و...است . در همین راستا، باری بوزان معتقد است عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود الگوی دوستی و دشمنی بین دو دولت است . ازآنجاکه اشتراکات منافع و ایدئولوژیک می‌تواند مبنای شکل‌گیری این الگو قرار گیرد، اتخاذ سیاست خارجی یکسان تهران و دمشق در برابر اسرائیل و تا حدودی آمریکا و همچنین حمایت از حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی، بستر مناسبی را برای کنار هم قرار گرفتن هویت اسلامی شیعی- ایرانی و ناسیونالیسم عربی – سوری فراهم کرد(مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹٤: ۱٤۰).

ت) شکل‌گیری منازعات گفتمانی و تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی در منطقه :

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، وابستگی متقابل امنیتی است که از عوامل افزایش همکاری بوده و باعث تبیین روابط و رفتار دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل و منطقه‌ای می‌شود. وابستگی متقابل امنیتی ناظر بر وجود شبکه‌ای از تعاملات و روابط امنیتی بین اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که باعث ایجاد احساس مجموعه بودن میان گروهی از کشورها می‌گردد و از طرف دیگر بدین معناست که وجود یک مجموعه امنیت منطقه‌ای امکان دارد لزوماً با خواست و اراده کشورهای عضو این مجموعه انطباق نداشته باشد. از مهم‌ترین شاخص‌های امنیت منطقه‌ای در مکتب کپنهاگ، اختلافات و همبستگی‌های نژادی، قومی و مذهبی است. از دید بوزان این اختلافات فرقه‌ای همواره می‌تواند منشأ درگیری‌ها و جنگ‌های گسترده‌ای شود. در چارچوب امنیت منطقه‌ای یکی از تأثیرات بحران سوریه بر اختلافات و همبستگی‌های نژادی، قومی و مذهبی قابل ارزیابی است که به‌صورت شکل‌گیری منازعات گفتمانی با ظهور گفتمان افراطی، تکفیری و سلفی گری در

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

منطقه بیشتر گسترش می‌یابد. از آغاز شکل‌گیری تنش در سوریه، گروه‌های متعددی موسوم به گروه‌های تروریستی تکفیری با عناوین مختلف در بحران سوریه ایفای نقش نموده‌اند . ویژگی مشترک و غالب همه این گروه‌ها، بنیادگرایی، سلفی گری، جزمیت، تخریب مقابر و شعائر مذهبی، انجام جنایات وحشیانه برای تجاوز و کشتار مردم بی‌گناه در لوای اسلام است. یکی از مهم‌ترین اهداف این گروه‌ها، ایدئولوژیک نمودن و سیاسی جلوه دادن اسلام، بانام اسلام رادیکال و فرقه بازی‌های اسلامی است. هدف نهایی چنین پروژه‌ای، مخدوش نمودن چهره اسلام و مقدسات و معرفی وجه منفی آن به جهانیان است. از مهم‌ترین گروه‌های بنیادگرا می‌توان به القاعده، جبهه النصره و گروه داعش اشاره نمود(زر نچک، ۱۳۹۲: ٦٦).

از دیگر تهدیداتی که بحران سوریه پیش روی امنیت منطقه‌ای ایران به همراه خواهد داشت، بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای، در کنار تشدید تنش‌های فرقه‌ای و چالش‌های قومی – مذهبی است که به دنبال ظهور و قدرت‌یابی گروه‌های تکفیری و افراطی مانند القاعده و داعش یا سلفی‌ها امکان بروز یافته است. بهره‌گیری گروه‌های تکفیری افراطی از خلأ قدرت و ایجاد ناامنی و تداوم بی‌ثباتی در سطوح مختلف ازجمله مسائل و ابعاد دوره گذار در سطح منطقه است که چالش‌هایی امنیتی را برای ایران نیز ایجاد می‌کند . یکی از اهداف مهم عربستان از مداخله در سوریه و تقویت و حمایت گسترده از جبهه مخالفان بشار اسد، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفی گری است . امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی برمی‌گردد. درواقع عربستان حامل این گفتمان می‌تواند بسترساز ایجاد نوعی تنش مذهبی باشد(کرمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲). که چالش‌های امنیتی مهمی را برای امنیت منطقه‌ای ایران در پی خواهد داشت.

ث) بالا گرفتن رقابت تسلیحاتی در منطقه :

همان‌طور که باری بوزان اذعان دارد،کشورهای شمال از وابستگی و رقابت کشورهای جهان سوم به تهیه تسلیحات به‌عنوان منبع نفوذی استفاده می‌کنند و فشارهای اقتصادی و امنیتی عمدهای به این کشورها در جهت وفق دادن تسلیحات خود با استاندارد فنّاوری نظامی روز دنیا که در اختیار کشورهای شمال است، اعمال می‌کنند. این عامل کشورهای جهان سوم را به‌طور فزاینده‌ای در برابر تحولاتی که در محیط امنیتی منطقه‌ای خویش رخ می‌دهد، آسیب‌پذیر می‌نماید که این امر ناشی از رقابت تسلیحاتی است(بوزان، ۱۳۷۷: ۲۷٦).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

برهم خوردن توازن قوا و دگرگونی در نظم منطقه‌ای و بالا گرفتن تنش‌های قومی و مذهبی و تداوم سناریوهای ایران هراسی در منطقه، باعث خواهد شد تا مسابقه تسلیحاتی در منطقه به اوج خود برسد. همان‌گونه که تلاش‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در استقرار موشک‌های پاتریوت (سامانه سپر موشکی) در مرزهای ترکیه و سوریه، دولتمردان روسیه را وامی‌دارد که سامانه موشکی اس ۳۰۰ را در اختیار دولت سوریه قرار دهند . تجهیز روزافزون کشورهای منطقه به سلاح‌های روز دنیا علاوه بر تشدید مشکلات اقتصادی منطقه و بلعیدن بخش بزرگی از درآمدهای ملی، می‌تواند با توجه به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و اختلافات قومی قبیله‌ای و همچنین ازسرگیری ادعاهای سرزمینی میان برخی کشورهای منطقه که از تصنعی و استعماری بودن مرزهای سیاسی حاصل‌شده است، چشم‌انداز بی‌ثباتی و درگیری‌های نظامی در منطقه را برجسته و نزدیک می‌سازد. کشورهای خاورمیانه به دنبال سیر تحولات چند سال اخیر منطقه، کوشش نمودند با تعریف رویکردهای امنیتی مختلف، ظرفیت و توان خود را برای غلبه بر چالش‌های امنیتی افزایش دهند. اما این کوشش بسیار پرفرازونشیب و همراه با هزینه‌های سنگین تسلیحاتی برای کشورها بوده است.

جایگاه سوریه در سیاست خارجی روسیه

بدون تردید نقش فدراسیون روسیه در بحران سوریه از زوایای مختلف قابل‌بررسی و تعمق خواهد بود؛ زیرا مسکو تلاش کرده است تا سوریه را به‌عنوان آخرین دروازه نفوذ خود در خاورمیانه و جهان عرب حفظ و از افتادن آن به دامن غرب جلوگیری کند؛ به‌گونه‌ای که در اوضاع کنونی بخش عمده‌ای از تعارضات ژئوپلیتیکی و راهبردی روسیه با غرب، به‌ویژه آمریکا در خاورمیانه، به بحران سوریه و شرایط محیطی آن بازمی‌گردد(Phillips, 2012: 8).

روسیه در سوریه دارای منافعی است که برخی از آن‌ها وجه اشتراکی با منافع ایران در سوریه ندارند. درواقع حلقه اتصال منافع روسیه و ایران در سوریه را می‌توان مبارزه با گروه‌های تروریستی، حفظ مرزهای این دو کشور و مواجهه بانفوذ روزافزون غرب در منطقه دانست. اما می‌توان علاوه بر این عوامل به اهداف و منافع دیگر روسیه در سوریه نیز اشاره نمود:

۱. حفاظت از منافع روسیه در سوریه

روس‌ها منافع قابل‌توجه اقتصادی و نظامی در سوریه دارند. برای مثال، پایگاه دریایی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

روسیه در شهر بندری طرطوس در سواحل مدیترانه قرار دارد و مسکو علاقه‌مند به حفظ آن است. تأسیسات دریایی روسیه از زمان اتحاد جماهیر شوروی در شهر بندری طرطوس مستقر است و حیاط‌خلوت کشتی‌های جنگی روسی برای تعمیر است. همچنین، پایگاه دریایی روسیه در طرطوس، تنها پایگاه نظامی روسیه در دریای مدیترانه است.

۲. حفظ منافع استراتژیک

پوتین پس از دخالت در سوریه این پیام را به جهان فرستاد که روسیه هنوز یک قدرت به‌حساب می‌آید. رهبری آمریکا در جنگ با عراق که سبب از میان رفتن صدام، دیکتاتور عراق شد و نیز از میان بردن حکومت معمر قذافی در سال ۲۰۱۱ با کمک ائتلاف بین‌المللی، مسکو را از متحدان کلیدی محروم کرد. سوریه برای مسکو کلید اصلی نفوذ استراتژیک در خاورمیانه است و کرملین علاقه‌مند به رها کردن این کشور نیست.

۳. جنگیدن با داعش

کرملین معتقد است که داعش درحالی‌که گسترش افراط‌گرایی است. روسیه، خود بارها هدف حملات تروریستی افراط‌گرایان قرارگرفته است. شورشیان افراط‌گرا در جنوب روسیه و جمهوری چچن از سال ۱۹۹۰ برای استقلال می‌جنگند. کرملین از آن می‌ترسد که پیروزی داعش در سوریه سبب بازتاب آن در داخل روسیه شود. سقوط هواپیمای روسیه در صحرای سینا که مسئولیت آن را داعش بر عهده گرفت، تائید کننده نگرانی مسکو است.

٤. افزایش حمایت از پوتین در روسیه

بهای پایین نفت و تحریم روسیه به‌وسیله غرب به خاطر بحران اوکراین، باعث سقوط اقتصاد روسیه به بحران شد. اقتصاد روسیه در سال ۲۰۱۵ شاهد کاهش ۳,۷ درصدی بود و روسیه را به یکی از ده اقتصاد نوظهور جهان با عملکرد بد تبدیل کرد. همچنین روبل، ارز رایج روسیه به کمترین ارزش خود در مقابل دلار رسید. جنگ سوریه، باعث تقویت حمایت از پوتین و افزایش غرور ملی روس‌ها شد.

۵. فروش سلاح

از جنگنده‌های سوخو ۳۵ تا موشک‌های کروز برای کشتی، سوریه از پشتیبانی تسلیحاتی روسیه برخوردار است. روسیه از گذشته جزو بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تسلیحات جهان بوده است. چین و هند به‌عنوان بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات روسیه، به‌دقت اقدامات مسکو در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

جنگ سوریه را رصد می‌کنند(روزنامه جام جم، ۹٤/۱۰/۲۰).

٦. کاهش انزوای بین‌المللی روسیه

درواقع، با به هم خوردن برتری روسیه نسبت به اروپا ،از دیگر سو تأکید آمریکایی‌ها همواره بر هژمونی خود در تبلیغات سیاسی ، نشان‌گر آن است که روسیه از اعتبار کم‌تری نسبت به گذشته در عرصه بین‌الملل برخوردار است. بر همین اساس، بحران سوریه، فرصتی پدید آورده است تا اعتبار گذشته روسیه بازگردانده شود .در ادامه به بررسی علل اهمیت سوریه در سیاست خارجی منطقه‌ای روسیه می‌پردازیم.

عوامل سیاسی

الف) نفوذ در خاورمیانه

خاورمیانه به دلیل منابع غنی انرژی و موقعیت خاص ژئوپلیتیک، حوزه منفعتی غیرقابل‌اغماض برای قدرت‌های بزرگ ازجمله روسیه محسوب می‌شود. سابقه سیاست خاورمیانه‌ای روسیه محدود به طول عمر اتحاد جماهیر شوروی و روسیه فعلی نیست، بلکه به روابط روسیه تزاری با کشورهای منطقه می‌رسد. اما تغییر و تحولات در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در هر مرحله از تاریخ این کشور متأثر از برهه تاریخی خاص بوده است. منطقه خاورمیانه برای شوروی سابق دارای اهمیت راهبردی بوده است (مقدم، ۱۳۸٤: ۱۷۰).

خاورمیانه و موضوعات مختلف معطوف به آن، یکی از مسائلی است که مسکو، به‌ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، توجه زیادی به آن مبذول داشته است. تردد بالای دیپلماتیک میان مقامات خاورمیانه‌ای به مسکو و به‌عکس، به‌خوبی بیانگر بروز نوعی تحرک و پویایی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و متفاوت از دهه‌های گذشته هست. دیپلماسی خاورمیانه‌ای و عربی روسیه پس از به قدرت رسیدن پوتین و خصوصاً بعد از جنگ آمریکا در عراق به‌منظور تأمین امنیت روسیه و منافع اقتصادی آن رابطه جدیدی را می‌طلبید. در این زمان که روسیه به دنبال بازسازی حضور خود در خاورمیانه بود، تمامی جوامع عرب نیز ایفای نقش سیاسی قوی‌تری را از سوی این کشور خواستار بودند(مقدم، ۱۳۸٤: ۳٦۸).

ب) قدرت بازیگری میان طرف‌های درگیر در صلح خاورمیانه

در زمان ریاست جمهوری مدودف و البته با نظر پوتین، یکی از جهت‌گیری‌های عمده

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

سیاست خارجی روسیه، تمایل به کنار گذاشتن احساس حقارت دهه ۱۹۹۰ و بازگشت روسیه به سطح بالایی در امور بین‌الملل بوده است. اتخاذ این سیاست، بعد جدیدی به حضور روسیه در خاورمیانه که بسیاری از مناقشات در آن جاری است، بخشید. تأثیرگذاری روسیه در حل این مشکلات لازمه حضور جدی آن به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی با جایگاهی برتر هست. روسیه تمامی احزاب درگیر در مناقشات خاورمیانه را متصل‌به‌هم می‌داند، بنابراین یک فعالیت دیپلماتیک با پشتوانه بین‌المللی را دنبال می‌کند تا به آشکارسازی مناقشه خواه میان اسرائیل- لبنان- سوریه و یا اسرائیل -فلسطین بینجامد. (Stepanova,2006).

عوامل اقتصادی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، یکی از اهداف روسیه از حضور در خاورمیانه، گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه هست و در این راستا فروش تسلیحات نظامی و تشکیل بلوک انرژی ازجمله مهم‌ترین منافع اقتصادی در منطقه خاورمیانه است که روسیه این اهداف را به‌شدت پیگیری می‌نماید. دراین‌بین سوریه یکی از بازارهای استراتژیک روسیه در خاورمیانه محسوب می‌شود. در طول چندین دهه روابط شوروی سابق و روسیه کنونی با این کشور، سوریه به بازار استراتژیکی به‌ویژه در بخش فروش و ارسال تسلیحات روسی بدل شده است. سابقه طولانی فروش تسلیحات روسیه به سوریه به‌عنوان یک عامل مهم در حمایت‌های اخیر روسیه از دولت اسد نیز تلقی می‌شود. موضوع قابل‌تأمل این است که هرچند مرکزیت منافع اقتصادی روسیه با سوریه بر اساس تجارت سودمند تسلیحات شناخته می‌شود، اما این روابط تجاری با حضور شرکت‌های روسی در سوریه و همکاری در بخش انرژی نیز همراه می‌شود. شرکت‌های روسی درزمینه اکتشاف و توسعه نفت و گاز در سوریه سرمایه‌گذاری‌های کلانی را انجام داده‌اند. در مارس ۲۰۰۵ ، شرکت روسی تات فت توانست امتیاز کشف و توسعه نفت و گاز سوریه را از آن خود کند. تات نفت اولین شرکت روسی بود که با سوریه به عقد قرارداد در این زمینه پرداخت. در دسامبر همین سال شرکت دیگری به نام استروترانس گاز نیز وارد معامله با دمشق شد. این شرکت به‌عنوان تابع شرکت گازپروم ۳۱۹ کیلومتر از خط لوله بخش ، گازی اعراب در مسیر رهاب - حمص را ساخته است(Bagdonas, 2012, p.64).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

علاوه بر کشف و توسعه نفت و گاز، شرکت‌های روسی درزمینه پروژه‌های انرژی هسته‌ای در سوریه نیز مشغول می‌باشند.

شرکت رزتم در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد که اولین کارخانه انرژی هسته‌ای در سوریه را خواهد ساخت و سرویس‌دهی به آن توسط تخنا پرامیک اسپرت که تولید تجهیزات انرژی را بر عهده خواهد داشت، ادامه می‌یابد. کارخانه‌های تولیدی و ساخت روسی نقش مهمی در اقتصاد سوریه ایفا می‌کنند که ازجمله آن‌ها می‌توان به کارخانه اورالماش اشاره نمود. این کارخانه در سال ۲۰۱۰ به‌منظور فراهم آوردن تجهیزات حفاری برای شرکت‌های نفتی سوریه با این کشور قراردادی منعقد نمود. تراکتورنیه زاودی برنامه‌هایی را به جهت معامله با شرکت‌های سوریه درزمینه ساخت تجهیزات کشاورزی اعلام کرده است. گروه سینا را نیز مجموعه هتل‌هایی را در شهر لاذقیه ساخته است.

شرکت سیترونیکز در سال ۲۰۰۸ قراردادی با سوریه منعقد نمود که بر اساس آن ساخت شبکه وایرلس را اجرا نمود. می‌توان گفت حضور فعال شرکت‌های روسی در سوریه در زمینه‌های مختلف سبب رونق بخشیدن به اقتصاد این کشور شده است و در کنار آن، این شرکت‌ها نیز از سود سرشاری بهره می‌برند. درگیری در سوریه و به‌تبع آن تغییر رژیم در این کشور سبب هراس متخصصین روسی شده است. تحقق این امر سبب از دست رفتن قراردادهای سودمند خواهد شد و این احتمال وجود دارد که رژیم بعدی، پیوندهای اقتصادی را با حامیان امروز خود یعنی ترکیه، اروپا و ایالات‌متحده منعقد گرداند(Gorenburg,2012).

عوامل نظامی

الف) پایگاه طرطوس

طرطوس واقع در دریای مدیترانه تقریباً در ۲۵ کیلومتری مرز سوریه با لبنان قرار دارد. این بندر تنها پایگاه دریایی خارج از اتحاد شوروی سابق است که با توجه به اهمیت استراتژیک آن تاکنون توسط روسیه حفظ‌شده است. طرطوس به‌واسطه موقعیت پدافندی خود اهمیت ویژه‌ای برای روسیه دارد، زیرا به‌واسطه آن‌هم برخی از اهداف سیاسی تحقق می‌یابد و هم یک شریک استراتژیک در دنیای عرب ، حفظ خواهد شد. این پایگاه بر اساس موافقت‌نامه ۱۹۷۱میان اتحاد شوروی و سوریه به نیروی دریایی شوروی جهت آموزش نیروهای خود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

واگذار شد. بر اساس این موافقت‌نامه جنگنده‌ها، زیردریایی‌ها و کشتی‌های تجاری شوروی اجازه بهره‌برداری از تجهیزات بندر طرطوس را کسب کردند. نیروی دریایی روسیه به سوریه به‌عنوان یک پایگاه حیاتی در جهت اجرای عملکرد خود در حوزه مدیترانه و احاطه بر منطقه می‌نگرد؛ چراکه پایگاه دریایی طرطوس به‌طور قابل‌توجهی می‌تواند ظرفیت‌های عملی روسیه را ارتقا دهد و کشتی‌های مستقر در آن نیز قابلیت دسترسی به دریای سرخ و اقیانوس هند را از طریق کانال سوئز و دسترسی به آتلانتیک را به‌واسطه تنگه جبل‌الطارق ظرف چند روز دارا می‌باشند(Harmer,2012).

امروزه با بروز جنگ در سوریه، روسیه در جهت تحقق اهداف سیاسی خود از این پایگاه بهره‌برداری می‌کند و آن را به‌عنوان محلی جهت تحویل سلاح به دولت اسد تبدیل کرده است. درواقع ایجاد این بحران، موقعیتی را برای روسیه به وجود آورده است تا حضور خود را به دیگران یادآوری نماید(Trenin,2013:12).

ب) خریدهای تسلیحاتی سوریه

درگیری‌های نظامی سوریه با رژیم صهیونیستی و اشغال قسمتی از خاک سوریه توسط این رژیم همواره یکی از دغدغه‌های مسئولین سوریه بوده است. با توجه به قدرت نظامی رژیم صهیونیستی و تهدیدات این رژیم، سوریه راهبرد خود را بر اساس مقابله با تهدیدات روزافزون این رژیم قرار داده و به همین دلیل بودجه زیادی را برای ارتش اختصاص داده و قرارداد کلانی را درزمینه تسلیحات با بلوک شرق به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی با روسیه داشته است. به دنبال موضع‌گیری سیاسی- نظامی روسیه نسبت به تمرکز نیروهای ترکیه و عراق در مرزهای سوریه و در پی آن اعلام آمادگی روسیه در حمایت از استقلال و حاکمیت این کشور، نخستین معامله اسلحه در ۱۹۵۵ به مبلغ یک‌صد میلیون پوند بین سوریه و بلوک شرق صورت گرفت(امامی، ۱۳۷٦: ۱۸٦).

تجارت اسلحه میان اتحاد شوروی و سوریه تا دهه ۹۰ ، درمجموع به ۳٤ میلیارد دلار می‌رسید و اتحاد شوروی منبع اصلی سوریه در تأمین اسلحه و آموزش افسران نظامی بود. فروپاشی اتحاد شوروی توانایی سوریه را به‌طورجدی در دستیابی به تجهیزات مدرن نظامی تحلیل برد و این مهم از طریق واردات سوریه از کره شمالی و ایران نیز جبران نمی‌شد. تا اینکه پوتین در سال ۲۰۰۵ تصمیم سیاسی مبنی بر ازسرگیری تجارت با سوریه را اتخاذ نمود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

و در این راستا هیچ مشکلی در ایجاد موقعیت خود به‌عنوان یک فروشنده بزرگ سلاح در بازارهای سوریه را نداشت. هرچند پوتین از یک‌سو به اسرائیل اطمینان داد که مسکو امنیت آن را به خطر نخواهد انداخت و از سوی دیگر تمایلی به بر هم زدن توازن قوای منطقه دارد، بااین‌حال نمی‌تواند بزرگ‌ترین منفعت خود را در سوریه نادیده بگیرد و این متحد قدیمی خود را بدون قدرت دفاعی رها کند. تا قبل از سال ۲۰۰۶ هیچ نوع تسلیحات مدرنی به این کشور عرضه نشده، اما روسیه تعمیر و به‌روزرسانی سخت‌افزارهای نظامی مورداستفاده ارتش سوریه را همچنان ادامه داده است و در کنار آن نیز به افسران نیروهای نظامی سوریه در حد افسران ارشد آموزش می‌دهد. تا سال ۲۰۰۶ تقریباً صد هزار افسر سوری هم در دانشگاهی‌های نظامی شوروی و هم روسیه آموزش‌دیده‌اند. به نظر می‌رسد روسیه عرضه تسلیحات به این کشور را به‌عنوان ابزار چانه‌زنی با آمریکا یا اسرائیل قرار بدهد. درمجموع می‌توان سابقه تجارت طولانی‌مدت تسلیحات روسیه با سوریه را دلیل محکمی بر پشتیبانی‌های اخیر روسیه از دولت اسد تلقی کرد. بر این اساس روسیه با اتخاذ سیاست حمایتی از دولت اسد، درصدد است تا یکی دیگر از بازارهای پررونق خود در منطقه را از دست ندهد؛ مانند آنچه پس از انقلاب لیبی رخ داد و روسیه عملاً بازارهای این کشور را از دست داد.

مخاطرات بحران سوریه برای فدراسیون روسیه

فدراسیون روسیه به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی چالش‌هایی مثل بحران سوریه را به‌دقت زیر نظر می‌گیرد تا در صورت امکان اوضاع را به نفع خود و متحدانش تغییر دهد. این مسئله در جدیت مسکو در قبال بحران سوریه و حمایت از نظام بشار اسد به‌وضوح خود را نشان داده است. اما نکته بسیار مهم در رفتارشناسی روسیه در قبال بحران سوریه، مخاطراتی است که این بحران برای مسکو و منافع آن در منطقه به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین ضرورت دارد ابعاد مختلف مخاطرات بحران سوریه برای فدراسیون روسیه بررسی شود:

مخاطرات ناظر بر خارج نزدیک

یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های مهم مسکو در قبال بحران سوریه این است که این بحران دامنه‌دار شود و امواج افراط‌گرایانه و تروریستی آن به جمهوری‌های استقلال‌یافته

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

شوروی سابق به‌عنوان حیاط‌خلوت روسیه برسد. کشورهای به‌اصطلاح خارج نزدیک، به‌ویژه جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، پتانسیل زیادی برای رسوخ افراط‌گرایی تکفیری برخاسته از بحران سوریه دارند و این همان هراسی است که فدراسیون روسیه را به خود مشغول کرده است. درواقع، مسکو به‌خوبی می‌داند که اگر ناآرامی‌ها و تشنج‌های برخاسته از بهار عربی و بیداری اسلامی، به‌ویژه موج خشونت‌ها و افراطی‌گری‌های گروه‌های تکفیری در سوریه به کشورهای حوزه خارج نزدیک راه یابد، می‌تواند ثبات این حلقه امنیتی راهبردی روسیه را به هم زند و موجب کاهش نفوذ مسکو در منطقه شود؛ زیرا وجود میلیون‌ها مسلمان در این کشورها و سابقه نه‌چندان مطلوب رفتار مسکو با مسلمانان به‌ویژه در بحران‌های چچن و کوزوو می‌تواند فضای منطقه را به‌شدت ضد روسی کند و عرصه را برای حضور و نفوذ هر چه بیشتر رقبای استراتژیک روسیه در منطقه به‌ویژه غرب و آمریکا فراهم سازد(منصوری، ۱۳۹۲: ۱۸۰). بنابراین، یکی از مخاطرات جدی بحران سوریه برای فدراسیون روسیه، سرازیر شدن این بحران به کشورهای خارج نزدیک و به‌تبع آن به خطر افتادن نفوذ تاریخی مسکو در این مناطق خواهد بود؛ زیرا این مناطق همواره به‌عنوان حائل میان فدراسیون روسیه و سایر نقاط بوده و نقش بسزایی در تأمین امنیت و تمامیت سرزمینی روسیه ایفا کرده‌اند. به‌هرحال، روسیه به‌هیچ‌وجه نخواهد پذیرفت که اقدامات محور غربی عربی در قبال بحران سوریه موجب به خطر افتادن نفوذ دیرینه‌اش در خارج نزدیک شود.

مخاطرات ناظر بر امنیت ملی

حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی فدراسیون روسیه امری بسیار حیاتی است که مقامات کرملین هیچ‌گونه تهدید علیه آن را بر نخواهند تافت. حال باید دید آیا بحران سوریه می‌تواند مخاطراتی در حوزه امنیت ملی برای روسیه همراه داشته باشد یا نه؟ بی‌تردید وجود میلیون‌ها مسلمان در خاک روسیه و رفتار شدید مسکو با مسلمانان در بحران‌های پیش‌آمده در دو دهه اخیر به‌ویژه در چچن، کوزوو، آبخازیا، اوستیا و...این احتمال را قوی می‌کند که روسیه هرگونه اقدامی را که به تحریک مسلمانان این کشور منجر شود، تهدیدی علیه امنیت ملی خود در نظر بگیرد. با این وصف، بحران سوریه با تحریک و توسعه افراط‌گرایی ممکن است مسلمانان ساکن فدراسیون روسیه را به انجام اقدامات متعدد ضد حکومتی تشویق کند و از این طریق امنیت ملی روسیه را به مخاطره اندازد(Demir, 2013: 68). از طرفی وجود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

گرایش‌های استقلال‌طلبانه در مناطق و جمهوری‌های فدراسیون روسیه به‌عنوان خطری جدی مطرح است. اگر روسیه در بحران سوریه تزلزل نشان دهد و به هر دلیل از مواضع خود کوتاه آید، این موضوع می‌تواند نشانه‌ای دیگر از ضعف و هراس مسکو در مقابل غرب، به‌ویژه دولت آمریکا باشد و خودبه‌خود استقلال‌طلبان را به مخالفت و امتیاز گیری بیشتر از کرملین ترغیب کند. به هر ترتیب، موفقیت فدراسیون روسیه در بحران سوریه می‌تواند به کنترل و بعضاً محدود کردن اقدامات تروریستی و تکفیری در منطقه بینجامد. این موضوع علاوه بر تأمین منافع دیرینه روسیه در خارج نزدیک، مخاطرات امنیت ملی این کشور را کاهش می‌دهد؛ زیرا مسکو همواره از شعله‌ور شدن بنیادگرایی مذهبی و گسترش اسلام سیاسی در مرزهای خود هراس داشته است(ذوقی، ۱۳۹۰: ۲۰۹). بنابراین، مخاطرات ناظر بر امنیت ملی روسیه در بحران سوریه نیز قابل‌توجه و تأمل است.

مخاطرات ناظر بر ملاحظات استراتژیکی

اینکه فدراسیون روسیه به بحران سوریه از زاویه منافع و مخاطرات ناظر بر کشورهای خارج نزدیک و امنیت ملی خود نگاه کند، امری صحیح و ضروری است؛ اما این مسئله به‌هیچ‌وجه نباید تمایل دیرینه روس‌ها مبنی بر قدرت بزرگ بودن را به حاشیه براند. از این منظر، هرگونه تحرک در سیاست‌های عمل‌گرایانه مسکو به‌ویژه در دوران پوتین را باید در قالب ملاحظات استراتژیک موردتوجه قرارداد. بنابراین، مخاطرات ناظر بر ملاحظات استراتژیک فدراسیون روسیه یکی از عوامل بسیار مهم ترغیب مسکو به نقش‌آفرینی جدی در بحران سوریه بوده است. در این راستا نیاز به‌تصریح است که در شرایط کنونی بخش مهمی از منافع فدراسیون روسیه در خاورمیانه و جهان عرب از دمشق عبور می‌کند و مستلزم توازن قوای مسکو با رقبای قدری مثل محور غربی – عربی در آن است(Bagdonas, 2012: 69). درواقع، دو موضوع بسیار مهم در حوزه ملاحظات استراتژیک فدراسیون روسیه در منطقه قابل‌بحث است: اول، فدراسیون روسیه به‌شدت علاقه‌مند ازسرگیری نقش دیرینه خود به‌عنوان بازیگری تعیین‌کننده و قدرتی بزرگ در معادلات منطقه‌ای و جهانی است. چنین تمایلی موجب می‌شود تا روسیه در درجه اول در بحران سوریه به دنبال تعادل سازی و توازن قوا در مقابل ایالات‌متحده آمریکا به‌عنوان بازیگر تعیین‌کننده بین‌المللی باشد. در این راستا مسکو تلاش کرده است هرگونه اقدام یک‌جانبه آمریکا و محور حامی مخالفان اسد را محدود

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

کند و صرفاً اقدامات را از کانال شورای امنیت به‌عنوان تبلور اراده جامعه بین‌المللی پیش برد(Demir, 2013:70). علاوه بر این، روسیه به‌هیچ‌وجه دوست ندارد دخالت خارجیِ آمریکا و غرب موجب سرنگونی رژیم اسد شود؛ زیرا این مدل از تغییر رژیم در منطقه در درازمدت به ضرر فدراسیون روسیه و حکومت‌های تحت حمایت آن در منطقه تمام خواهد شد (Rog-ers, 2012: 6). بنابراین تلاش فدراسیون روسیه برای احیای خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ تعیین‌کننده در معادلات بین‌المللی موجب شده است تا کرملین بحران سوریه را میدانی مهم برای ملاحظات استراتژیک خود در نظر گیرد. دوم، فدراسیون روسیه در سیاست خارجی عمل‌گرایانه جدید خود در دوران پوتین به‌شدت علاقه‌مند گسترش و دستکم حفظ نفوذ خود در خاورمیانه است. در این راستا، سوریه به‌عنوان آخرین پایگاه نفوذ باقی‌مانده در منطقه حائز اهمیت فراوان است؛ بنابراین مسکو تلاش می‌کند با توجه به ملاحظات استراتژیک خود، آرایش نیروها و صحنه نبرد در بحران کنونی سوریه را به نفع ائتلاف روسی چینی ایرانی پیش (Bagdonas, 2012: 67). زیرا جغرافیای سیاسی خاورمیانه به سمتی پیش می‌رود که از دست دادن سوریه، هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای مسکو به دنبال خواهد داشت. اگرچه فدراسیون روسیه به‌صراحت این علایق و نگرانی‌ها را بیان نمی‌کند، اما در نگاه راهبردی و بلندمدت مسکو در قبال تحولات منطقه‌ای نظیر بحران سوریه تردیدی وجود ندارد. با توجه به موارد یادشده باید تصریح کرد که فدراسیون روسیه با نگاه کلان استراتژیک درصدد مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تلاش برای ایجاد جهانی چندقطبی در قبال مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای نظیر بحران سوریه است. این مسئله به‌وضوح در رویکردها و جهت‌گیری‌های استراتژیک فدراسیون روسیه در سال‌های اخیر مشهود بوده است(Bagdonas, 2012: 70).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن تغییراتی عمده در سیاست خارجی فدراسیون روسیه در دو دهه اخیر و منافع غالباً سیاسی و امنیتی این کشور در بحران سوریه، واقع‌گرایی ساختاری همانند واقع‌گرایی تدافعی به‌مثابه چارچوب نظری پویا می‌تواند تصویر قابل قبولی از نحوه روبه‌رو شدن مسکو با بحران سوریه به دست دهد. نیک می‌دانیم که واقع‌گرایان تدافعی نیز مانند واقع‌گرایان ساختارگرا با پیچیدگی نسبتاً بیشتری به آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل توجه دارند؛ به این معنی که معتقدند آنارشی بین‌المللی به‌گونه‌ای نیست که امنیت را نایاب کند.

درنتیجه، دولت‌ها در چنین شرایطی رفتار تهاجمی ندارند و تنها در صورتی تهاجمی عمل می‌کنند که خطری جدی را احساس کنند. درواقع، موضوع اساسی در بحث واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی این است که آیا انگیزه‌های ناشی از سیستم بین‌الملل سبب تشویق کشورها به حفظ و افزایش امنیت خود از طریق تلاش برای حفظ وضع موجود خواهد شد یا آن‌ها خواهان دستیابی به حداکثر امنیت از طریق افزایش قدرت نسبی و نفوذ خود هستند. در این مسیر، والتز معتقد است که کشورها دارای شماری از اهداف ازجمله بقا تا سلطه جهانی هستند؛ ولی اولین واصلی‌ترین نگرانی آن‌ها دستیابی به حداکثر امنیت است. وی معتقد است که اولین علاقه و هدف دولت‌ها دستیابی به حداکثر قدرت نیست، بلکه حفظ موقعیت خود در سیستم، اولین هدف است.

با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر اساس منافع و علایق خود جهت‌گیری‌های متفاوتی را در رابطه با این کشور که اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاصی در منطقه خاورمیانه دارد، اتخاذ نموده‌اند. ایران و روسیه به‌عنوان دو قدرت اصلی در بحران سوریه مطرح هستند و نقش مهمی را در آینده این کشور می‌توانند ایفا نمایند.مقاله حاضر به بررسی نقش دو کشور ایران و روسیه در بحران سوریه بر اساس دیدگاه واقع‌گرایی نوکلاسیک پرداخته است. واقع‌گرایی نوکلاسیک در مقایسه با واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی از مزیت‌های نسبی به‌عنوان چارچوب نظری برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. اولاً، با تلفیق دو سطح داخلی و سیستمیک، امکان بیشتری برای تبیین تأثیرگذاری توأمان متغیرهای فردی، نقشی، دیوان‌سالاران، سازمانی، حکومتی ، اجتماعی و خارجی بر سیاست خارجی ایران فراهم می‌سازد. ثانیاً، تنوع و تفاوت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول زمان یا حوزه‌های موضوعی مشابه در چارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک امکان‌پذیر می‌گردد. ثالثاً، تأثیرگذاری متقابل سیاست داخلی و سیاست خارجی نیز بر مبنای اصول و مفروضه‌های واقع‌گرایی نوکلاسیک ممکن و میسر می‌شود. رابعاً، رفتارهای مشابه و یکسان جمهوری اسلامی ایران در نظام‌های بین‌الملل متفاوت دوقطبی و یک‌قطبی از یک‌سو و رفتارهای متفاوت آن در نظام بین‌الملل یا ساختار واحد، مثلاً تک‌قطبی، را نیز می‌توان در قالب واقع‌گرایی نوکلاسیک تحلیل و تبیین کرد. خامساً، امکان تبیین و توضیح تأثیرگذاری توأمان و هم‌زمان متغیرها و عوامل غیرمادی و انگاره‌ای مانند ملت‌گرایی، ایدئولوژی، گفتمان و هویت و عناصر مادی قدرت نظامی و اقتصادی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز در چارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک وجود دارد. بااین‌حال، واقع‌گرایی نوکلاسیک نیز از محدودیت‌های نظری و عملی خاص خود در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رنج می‌برد. اول، آنچه جمهوری اسلامی ایران باید از نظام بین‌الملل و اجبارها و الزامات آن بیاموزد را با آنچه عملاً از آن می‌آموزد خلط می‌کند. دوم، برای توضیح و تحلیل واکنش‌های جمهوری اسلامی ایران به الزامات و اجبارهای نظام بین‌الملل بیش‌ازاندازه بر آسیب‌شناسی عوامل داخلی و فردی تأکید و تمرکز می‌کند. سوم، اولویت و اهمیت علی متغیرهای داخلی و بین‌المللی در شکل‌دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌خوبی از هم تفکیک و تبیین نشده است. به‌گونه‌ای که بعضی از مواقع بر اهمیت و اولویت علی متغیرهای سطح واحد و داخلی تأکید می‌شود؛ ولی در مواقع و شرایط دیگر، نقش علی متغیرهای سیستمیک برجسته می‌گردد؛ زمانی دیگر اهمیت و اولویت ادراکات و برداشت‌های رهبران و تصمیم‌گیرندگان اصلی در سیاست خارجی از متغیرهای مادی و قدرت نسبی بیشتر است؛ زمان دیگر، متغیرهای مادی به‌تنهایی قادر به تبیین رفتار سیاست خارجی ایران بوده و کفایت می‌کنند. چهارم، واقع‌گرایی نوکلاسیک به‌نوعی در پذیرش مفروض کنش گر عاقل به‌عنوان یک مفروض واقع‌گرایی در تحلیل سیاست خارجی کشورها، ازجمله ایران، دچار شک و تردید است. پنجم، به‌رغم تلاش برای اجتناب از تقلیل‌گرایی، ولی درنهایت، واقع‌گرایی نوکلاسیک برای تحلیل سیاست خارجی گریزی از آن ندارد. چون عوامل سطح واحد و داخلی در این نظریه کارکرد و خاصیت علی دارند. ششم، مانند دیگر انواع واقع‌گرایی، بیش‌ازاندازه بر ماهیت مادی قدرت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

تأکید و تمرکز کرده و نقش عناصر غیرمادی قدرت را دست‌کم می‌گیرد. همچنین مسکو همواره روی مسائل سوریه حساسیت زیادی داشته است. این مسئله در بحران اخیر سوریه و نقش‌آفرینی جدی روسیه در آن ابعاد گسترده‌تری پیداکرده است. در این مقاله تلاش شد ابعاد مختلف مواجهه فدراسیون روسیه با بحران سوریه موردبررسی و ارزیابی قرار گیرد. درواقع مشخص شد فدراسیون روسیه به دلیل منافع و مخاطرات مختلف ناشی از بحران سوریه برای خود به‌ویژه ملاحظات استراتژیک تلاش کرده است نقشی تعیین‌کننده و مؤثرتر در این بحران ایفا کند. این یافته در قالب واقع‌گرایی تدافعی می‌تواند رفتارشناسی مناسبی از عملکرد رو سها در قبال بحران سوریه به دست دهد؛ بر این اساس فدراسیون روسیه با درک واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موجود تلاش دارد از به هم خوردن وضع موجود و توازن قوا در بحران سوریه جلوگیری کند و از طریق ایجاد اتحاد و ائتلاف با کشورهایی نظیر ایران و چین مانع سقوط بشار اسد و روی دادن شکست دیگری در مقابل غرب نظیر لیبی شود. دو کشور ایران و روسیه بر اساس منافع مشترک و دیدگاه‌های مشترکی که در مورد سوریه دارند در مدت بحران سوریه باهم همکاری‌های نزدیکی داشته‌اند و سعی نموده‌اند به‌عنوان یک محور مهم بحران سوریه در این کشور نقش اصلی را داشته باشند.

با بررسی دخالت دو کشور ایران و روسیه در بحران سوریه و تلاش برای نقش‌آفرینی در آن به نظر می‌رسد زمینه‌های همکاری دو طرف در سوریه بیشتر از تفاوت‌ها و اختلاف‌نظرهای این دو کشور هست. ایران و روسیه هردو به حل سیاسی بحران و حمایت از دولت سوریه معتقدند و بر مبارزه با گروه‌های تروریستی مانند داعش و النصره می‌پردازند. هر دو کشور سوریه را به‌عنوان پایگاهی استراتژیک برای خود قلمداد می‌کنند که خط نبرد آنان با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی هست. هر دو کشور برای جلوگیری از نفوذ بیشتر محور غربی، عربی و ترکی در سوریه با یکدیگر همسو هستند و بر اساس دیدگاه واقع‌گرایی نوکلاسیک در سوریه حضور پیداکرده‌اند. هر دو کشور سعی دارند تا جنگ را از مرزهای خود دور نگاه‌دارند. اما در رابطه با نقش حزب‌الله لبنان و تحویل دادن سلاح‌های روسی به این گروه دو کشور با یکدیگر همسو نیستند. از طرف دیگر ایران سوریه را محور مقاومت علیه اسرائیل می‌داند اما روسیه اسرائیل را به عنوانی کشوری قانونی به رسمیت شناخته است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

منابع

احمدی، علی و زارع، محمد (۱۳۹۱) "تحلیلی بر روابط آمریکا و چین در پرتو تئوری توازن قوا"، *فصلنامه ره نامه سیاست‌گذاری*، سال دوم، زمستان، ش ٦.

امامی، محمدعلی (۱۳۷٦) *سیاست و حکومت در سوریه*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

آجر لو، حسین (۱۳۹۰) تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال هجدهم، شماره سوم.

آدمی، علی و فخرالدین، مهری (۱۳۹۲) سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه ریشه‌ها، اهداف و پیامدها، . *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۲۲ .

بشارتی، محمد رضا (۱۳۹۲) نقش کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای در تحولات و بحران سوریه، *ماهنامه تبیان*، شماره ۹٦-۹۵.

بوزان، باری، ویور، الی(۱۳۷۷)*مناطق و قدرت‌ها : ساختار امنیت بین‌الملل* ، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

دهقانی فیروزآبادی،سید جلال‌الدین (۱۳۹۰)واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری سلامی ایران، ف*صلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲: صص -۲۹٤ ۲۷۵.

ذوقی بارانی، کاظم و دیگران(۱۳۹۰) تحلیل ژئوپلیتیک سوریه: بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه »، *سیاست دفاعی*، ش ۷۷ .

زرنچک، جوزف،(۱۳۹۲)، آمریکا در سوریه به دنبال چیست؟ *ماهنامه بیداری اسلامی*، سال دوم، ش٦.

سراج، رضا، (۱۳۹۰)، نگاه راهبردی به پشت پرده بی‌ثبات‌سازی سوریه، نوشته‌شده در . پایگاه خبری جوان دیلی در www.javandaily.com

سیمبر، رضا، قربانی، وحید و مرادی افراپلی، عیسی .(۱۳۹۲)، قدرت‌های بزرگ و وحدت کره "، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، تابستان ، شماره۷.

صادقی، سید شمس‌الدین(۱۳۹۱) ،"راهبرد سیاست انرژی روسیه در اوراسیا؛ فرصت‌ها . موانع"، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم.

فرزندی، عباسعلی(۱۳۹۱) اهمیت راهبردی سوریه برای ایران، *ماهنامه پیام انقلاب*، شماره ٦۲.

قاسمی، فرهاد(۱۳۹۱) "رهیافت نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای: واحدهای تجدیدنظرطلب در گذار چرخه سیستمی قدرت" *فصلنامه روابط خارجی*، سال هشتم .

کتاب سبز سوریه (۱۳۷۸)،تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، روابط ایران و روسیه در سال های ۱۳٦۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ٦.

کرمی، جهانگیر (۱۳۹۲) نقش روسیه در بحران سوریه ، *تراز*، ش ۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

کیانی، داود(۱۳۸۷) سیاست روسیه در خاورمیانه، محورها و محرک‌ها، *فصلنامه راهبرد* شماره ٤٧.
متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، نقش و راهبرد آمریکا در گسترش نافرمانی مدنی سوریه، *فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری*، سال دوم، شماره سوم.
مرادی، اسدالله و شهرام نیا، امیر مسعود(۱۳۹٤)، بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال چهارم، شماره ۱۵.
مشیر زاده،حمیرا(۱۳۹۰)،*تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*،تهران:انتشارات سمت.
مقدم، فرشته(۱۳۸٤) رویکرد سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۰.
منصوری، محمدحسین (۱۳۹۲) بررسی مواضع و اهداف روسیه در بحران سوریه ، *پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، سال پنجم، ش ۳۱ .
موسوی زاده، سید علی (۱۳۹۰) *ویژه‌نامه ، بیداری اسلامی و ریشه‌شناسی بحران سوریه* »نهمین هم‌اندیشی نمایندگان فرهنگی ج.ا.ایران در خارج از کشور، شماره دوم
نجات، سید علی و اصغر جعفری ولدانی (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه »، *پژوهش‌های سیاسی*، س۳، ش۸.
نیاکویی، سید امیر، بهمنش، حسین(۱۳۹۱) بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره ٤.
نیاکوئی، سید امیر، علی اسمعیلی و علی‌اصغر ستوده(۱۳۹۱) تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۳ *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره سال چهارم .
Elman, Colin (2007), Realism, in Martin Griffiths, ed. International Relations Theory for the Twenty First Century, London: Routledge.
Phillips, Christopher (2012), "Into the Quagmire: Turkey's Frustrated Syria Policy", The -Royal Institute of International Affairs, London, At: http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/ Middle%20East/1212bp_phillips.pdfRogers, Paul (2012), "The Iranian and Syrian Crises", Oxford Research Group (ORG), At: http://www.oxfordresearchgroup.org.uk/sites/default/
Bagdonas, Azuolas (2012),"Russia's Interests in the Syrian Conflict: Power, Prestige, and Profit", European Journal of Economic and Political Studies (ejeps), Vol.5, No.2.
Bartell, Dawn. L & David. H. Gray. (2012). "Conflict in Syria and the Opportunity to Reduce Iran's Regional Influence and Iran's Threat to the International Community". Norwich University Masters of Diplomacy School of Graduate Studies. 3 (4). pp. 136-147.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

Dmir, Sertif (2013), “The ImpactT 0f The Syria Crisis”, At: http://www. egeweb.ege.edu. tr/tdid/files/dergi_13/09.pdf

Frieden, Jeffrey,David Lake(etal). (2000).International Political Economy:Perspectives on Global Power and Wealth, New York: St.Martin.s Press.

Fulton, Will & et al.(2013). “Iranian Strate Gyin Syrian” ,Journal of Aei’s Critical Threats, Institue for the study of war, pp. 1-42.

Goodarzi, Jubin. M (2013). “Syria and Iran Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment”. Journal of Ortadogu Etutleri, 4.(2), pp. 31-54

Gorenburg, Dmitry (2012),"Why Russia Supports Repressive Regimes in Syria and the Middle East", PONARS Eurasia Policy, No.198, www.Ponarseurasia.org

Harmer, Christopher (2012), "Russian Naval Base Tartus", Studies in ISW (Institude for the Study of War),

Harriet,Sherwood,(2012),”Arab League Urges Joint Un-Arab peacekeeping Mission in Syria”,The guardian February12.

Taliaferro, Jeffrey, Steven Lobell and Norrin Pipsman (2009), Introduction: Neoclassical Realism, the State and Foreign Policy, in Lobell et al.

Taliaferro, Jeffrey, Steven Lobell and Norrin Pipsman (2009), Introduction: Neoclassical Realism, the State and Foreign Policy, in Lobell et al.

Kaczmarski, Marcin (2011), "Russia's Middle East Policy after the Arab Revolutions", Studies in: OSW Com-mentary (Center for Eastern Studies), osw.waw.pl

Kreutz, Andrej (2010), "Syria:Russia's Best Asset in the Middle East", Studies in Russia/ NIS Center, www.ifri.org

Lyengar, Radha & Others (2013), “The Conflict In Syria: An Assessment Of US Strategic Interests”, New America Foundation

Rogers, Paul (2012), “The Iranian and Syrian Crises”, Oxford Research Group (ORG), At: http://www.oxfordresearchgroup.org.uk/sites/default/ files/OctEn12.pdf

Rose, Gideon (1998), Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy, Word Politics, 5

Stepanova, Ekaterina (2012), “The Syrian Civil War: Transition Without Intervention?”, Institute of World Economy and International Relations (IMEMO), Moscow.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

Stepanova, Ekaterina (2012), “The Syrian Civil War: Transition Without Intervention?”, Institute of World Economy and International Relations (IMEMO), Moscow.

Sun, Degang .(2009). “Brothers Indeed: Syria- Iran Quasi alliance Revisited” . Journal of Middle Eastrn and Islamic Studies in Asia, 3(2), PP.67-80

Sutherlin, John. W. (2013). “The Syria Dilemma: a U.S. Led Invasion or a U.N. Sponsored Resolution”. Journal of International Humanities and Social Science, (l3),pp.1-10.

Swaine, Michael D. (2013), “Chinese Views of the Syrian Conflict”, At: http://media. hoover.org/sites/default/files/documents/CLM39MS.pdf

Trenin, Dmitri (February, 2013), "The Mythical Alliance: Russia's Syria Poli-cy", Washington D.C. Carnegie En-dowment for International Peace

Waltz, Kenneth H. (1979), Theory of International Politics, New York: Random House.

Zaborowski, Marcin (etal) .(2011). “Iran’s Reactions to the Arab Spring and the Crisis in Syria”. Journal of institute PISM, (99), pp. 596-597.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۴

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

موسوی، سید محمد (۱۳۹۶)، «واقع‌گرایی ساختاری و جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و روسیه» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۷، ش٤، زمستان ۹۶، صص ۱۲۸-۸۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]